

در چارچوب قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران و برای  
تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب

# تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد

قبل از آنکه بحث درباره طرح قانونی تشکیل جمعیتها و احزاب را آغاز کنیم، تذکر چند نکته را ضرور میدانیم: نخست آنکه پیدایش احزاب و سازمانهای

سیاسی يك روند عینی در جریان رشد جامعه است، كه آنرا با تمایلات و خواستهای ذهنی -بهر صورتی بیان و یا تدوین كردند- نمیتوان متوقف كرد. اگر

میتوان مثلا انقلابات را، كه يك روند عینی است، متوقف كرد، میتوان از پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی نیز جلوگیری كرد. در يك جامعه طبقاتی،

احزاب و سازمانهای سیاسی، مولود خواستهای طبقاتی گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی هستند كه این سازمانهای سیاسی را برای پیشبرد اهداف خود بوجود

می آورند. اهداف طبقاتی و اقشار و گروهها نیز بر حسب مواضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه شكل میگیرد. پیدایش احزاب در جامعه، تا

وقتی كه در آن طبقات، اقشار و گروههای اجتماعی وجود دارند، تاگزیر است. طبقات محسوم، بخصوص به سازمانهای سیاسی بقیه در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۱  
شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۴ ریال

## امام خمینی: زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیكتاتوری می کنند و میخواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، در حضور گروهی از روحانیون که عازم جبهه های جنگ بودند، عده ای از سربازان منقضی خدمت سالهای ۵۴، ۵۳ و ۵۷ و نیز مسئولین تدارکات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در مراسم کشور، سخنان مهمی ایراد کردند.  
امام خمینی در سخنان خود به شرکت مؤثر روحانیون در امور سیاسی، اجتماعی و جنگی اشاره کردند و درباره توطئه های که برای جدا کردن روحانیت مبارز از سیاست در جریان بوده است، هشدار دادند.

احقاق حق مظلوم را از ظالم می کنند و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست که در دادگاه امثال نصیری ها را از بین میبرند، این چیزی است که اسلام کرده است و امری است که با امر اسلام انجام میگیرد و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست که تحمیل به ملت چیزی را می خواهند بکنند، می خواهند با قدرت ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این يك دروغ واضح است که باید مردم از اشخاصی که اینها را میگویند، بگیرند آنها را، و از شان بپرسند که این کدام يك است؟ و چه کرده است؟ و چه کار دیکتاتوری انجام داده است؟ تا بفهمند ریشه این مطلب از کجاست.  
امام خمینی افزودند: «آیاریس مجلس ما يك دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می کند، یا مقامهای دیگری که در کشور ما هستند، کداميك از آنها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.»

## « لایحه قصاص » وصله ناجور بر پیکر جامعه انقلابی ما

تهدیب اخلاقی انسانهای خاکی و گمراه و مخالف با هدف سالم سازی جو جامعه، و بیخبر و بی خبری، و نیازهای جامعه متحول و انقلابی ما پاسخ گوید.  
جامعه بشری، در سیر تحول و تکامل خود بسوی مراحل عالیه تر، برای حل مشکلات خود، همواره شیوه های نوینی اندیشیده است. این شیوه های نو منطبق با مقتضیات زمان و مکان و سیر جامعه از ساده به پیچیده است. اگر روزی بشر با تیر کمان و سپر در برابر دشمن از خود دفاع میکرد، امروز با هواپیما و توپهای ضد هوایی از خود دفاع میکند. اگر روزی مسئله گرسنگی را با کشت گندم حل میکرد، امروز هزاران ماده غذایی برای رفع جوع در

اخیرا دولت «لایحه قصاص» را برای تصویب به مجلس تقدیم کرده است. بی آنکه قصد تحلیل و بررسی يك يك مواد این لایحه ماده ۸۰ داشته باشیم، که کاری است بی ثمر، یادآور می شویم که لایحه مشتمل بر دو بخش «قصاص نفس» و «قصاص عضو» است، که در مورد اول به «ولی دم» حق داده میشود که با اجازه «ولی مسلمین»، شخصا یا با تعیین وکیل، قاتل را به قتل برساند و در مورد دوم مصدوم، با اجازه حاکم شرع، حق دارد همان جرح و یا نقص عضو را در جسم ضارب ایجاد کند.  
«لایحه قصاص»، صرف نظر از آنکه زن را «نیمچه انسان» به حساب آورده و ارزش زندگی و شاهد بودن او را نصف ارزش زندگی و شاهد بودن مرد دانسته، و این خود برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است، که بر رفع تبعیض و برابری کلیه افراد ملت در مقابل قانون تأکید دارد؛ صرف نظر از آنکه حقوق مردم غیر-

## پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی «حزب کار سوسیالیست»

بمناسبت شصتین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوئیس» ۱۵ اسفند ۱۲۹۹ (از سال ۱۳۲۲: «حزب کار سوسیالیست») کمیته مرکزی حزب کار سوسیالیست گرامی!  
سیمانه ترین شادباشهای حزب توده ایران را بمناسبت شصتین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوئیس» بپذیرید.  
فرصت را غنیمت می شمردیم و ضمن تجدید همتی خود با کمیته های سوئیس و مبارزان فخر آفرین شصت ساله آنها، کامیابی های بیشتر حزب کار سوسیالیست را در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع و در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.  
با درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیر اول: نورالدین کیانوری

## تئوید بر ژنف: آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، کوشش در راه تحکیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ

کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیست و سوم فوریه سال ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۵۹) در مسکو گشایش یافت.  
تئوید بر ژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب، در این کنگره گزارشی را زیر عنوان «گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و وظایف آینده حزب در زمینه سیاست داخلی و خارجی» ایراد کرد. از نظر اهمیت، خلاصه این گزارش را به نظر خوانندگان نامه «مرد» میرسانیم:

تئوید بر ژنف در بخشی از سخنان خود به مسائل بین المللی اشاره کرد و گفت: «آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، کوشش در راه تحکیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ، که موجب اتلاف نیروهای مادی و معنوی ملتها میگردد.»  
تئوید بر ژنف برای رفع خطر بروز جنگ و تحکیم امنیت بین المللی يك سلسله پیشنهادها را تازه مطرح کرد. تئوید بر ژنف گفت: «اتحاد شوروی قبلا هم پیشنهاد کرده بود که دایره اقداماتی که هدف از آن تقویت روح اعتماد بین طرفین در زمینه مسائل نظامی، نظیر مطلع کردن طرف از مانورهای زمینی، دریائی و هوائی و همچنین نقل و انتقالات نیروهای نظامی است، گسترش یابد و اکنون ما پیشنهاد میکنیم که این اقدامات باز هم وسیعتر گردد. ما حاضریم تمام بخش اروپائی اتحاد شوروی را مشمول این اقدامات قرار دهیم، بشرطیکه کشورهای غربی نیز منطبقه مربوط، به خود را بصورت متقابل گسترش دهند.»

تئوید بر ژنف افزود: «اتحاد شوروی آماده است درباره اقداماتی که بتواند به تقویت روح اعتماد در خاور دور کمک کند، با کلیه کشورهای ذینفع وارد مذاکره شود. اتحاد شوروی آماده است در مورد جوانب بین المللی مسئله افغانستان، چه به صورت يك مسئله مجزا و جداگانه و چه در ارتباط با مسائل امنیت خلیج فارس، وارد مذاکره شود. بدیهی است که این مذاکرات تنها میتواند بقیه در صفحه ۴

## دشمن واقعی، آمریکای جنایتکار است

معسن رضائی، عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران: شعار اصلی شما، جنگ با آمریکا است  
بیاورد، شاه، شاهی خودش را بکند و اما قدرت اداره کشور را بدست يك دولت وجه المله بدهد، تا بلکه بتواند برای سالیان سال منافع خودش را در ایران که آنچنان برای او منافع بزرگی داشت حفظ کند.  
رضائی سپس با اشاره به دولت موقت گفت: «وقتی دولت موقت بقیه در صفحه ۷

## در عملیات نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران علیه متجاوزان، خسارات سنگینی به نیروی دریائی عراق و سکوهای نفتی البکر والامیه وارد شد

برشمرده است: ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۴۲۴ مین اطلاعیه خود، عملیات نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران را علیه متجاوزین صدامی طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، بشرح زیر  
در جبهه های آبادان و خوزین - شبر مواضع نیروهای ارتش عراق، همچون گذشته، زیر آتش توپخانه و سلاح های سنگین نیرو - های دلوار ما قرار داشت، که در نتیجه ۹ تانک، ۴ خودرو، ۴ انبار مهمات يك قبضه تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیمتری با جیب حامل آن و بیش از هشتاد و پنج تن دیده بان و چند منطقه تجمع دشمن منهدم و عده ای از

## حجت الاسلام خامنه ای:

## دشمن واقعی، آمریکای جنایتکار است

مراسم نماز جمعه این هفته نیز با حضور گروه انبوهی از نمازگزاران دردانشگاه تبران برگزار شد. در این مراسم معسن رضائی عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب در سخنانی، پیش از خطبه های نماز، ضمن اشاره به توطئه ها و دسایس امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرد «امروز مسئله ما مسئله آمریکاست» و «شعار، شعار مرگ بر آمریکاست».  
معسن رضائی در آغاز گفت: «آمریکا و صهیونیسم بین المللی چه مطامع و چه منافع بزرگی در ایران دنبال می کرد و قصد داشتند ایران را بعنوان پایگاهی که کشورهای خلیج و یکی از مهمترین عناصر دفاعی و نظامی آمریکا در کمربند نظامی که بدور شوروی چیده بود، از ایران استفاده کنند. وی با اشاره به توطئه آمریکا برای روی کار آوردن يك دولت «میانبر» قبل از پیروزی انقلاب گفت: «(بختریار) آغازی بود برای اینکه (آمریکا) يك دولت میانبر روی را بر سر کار

## گفتگوهای سرکردگان ضد انقلابیون افغانی در واشنگتن

✱ واگذاری موشک های زمین به هوا به «مبارزان» افغانی از راه پاکستان  
خبرگزاری فرانسه از لندن گزارش میدهد که دولت ریگان «آرام آرام» واگذاری سلاح را به ضد انقلابیون افغانی «بشکل علنی» تبدیل می سازد! لرد پتول، نماینده بریتانیا در «پارلمان اروپا» در مساجدهای با «ساندئ تایمز» به این امر اعتراض کرده است.  
لرد پتول، که پس از سفری کوتاه به ایالات متحده آمریکا، به بریتانیا بازگشته است، از دیدار سرکردگان ضد انقلابیون افغانی با مقامات رسمی واشنگتن و گفتگوهای آنها با امون واگذاری بقیه در صفحه ۷

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### در چارچوب قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱

تحت حزب، بصورت يك روند عینی جامعه، باید پایه علمی هرگونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد، زیرا هر قانونی، اگر برای پایه عینی و علمی متکی نباشد، دیر یا زود به کاغذپاره بی ارزشی تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی، که به نام «قانون تشکیل جمعیتها، انجمنها، احزاب و نظائر آنها» در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، با مسئله حزب برخورد درستی داشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه نیازی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد» آزاد است و «اگر بخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد، باید به ثبت برسد» و اگر از حزب «هر نوع کاری که ناقض استقلال، آزادیهای مشروع دیگران، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد» سرزند «محاكمه و طبق مقررات تعقیب و مجازات میشود» و در صورت «تکرار تخلفات فوق، دادگاه آنرا غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکند».

لایحه قانونی فوق، ساده، روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچ يك از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است.

تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون، مخالف با اصل نهم قانون اساسی است که در آن گفته میشود، هیچ دلیلی، هیچ مقامی، حق ندارد «آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

کنجاندن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان، با در نظر گرفتن تمام تجربیات شوم دوران گذشته شاهنشاهی، که قانون اساسی داشتیم و با «قانون» و یا صرفاً بدستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد در احزاب سیاسی یکی از مهمترین آنهاست، سلبادگی از مردم سلب میکردند، صورت گرفته است. حالا اگر «کمیسونی»، «مقرراتی»، «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم بصراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساس جمهوری اسلامی و شیوه حکومت اسلام، است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تضمین گسترده هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی میباشد».

مسلم است که تحدید آزادیهای مشروع، بهر شکل و صورتی انجام گیرد، جز در جهت تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» گروهی بر گروه دیگر، طبقه ای بر طبقه دیگر، نمی تواند باشد. در لایحه «قانون احزاب»، که اکنون در مجلس مورد مذاکره قرار گرفته است، بر طرح ساده، روشن و بدون ابهام شورای عالی قضائی، یک سلسله تشریفات و مقررات زائد و محدود کننده، که میتواند مورد سوء استفاده برای تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» قرار گیرد و حق داشتن تفکر سیاسی و فعالیت آزاد سیاسی را

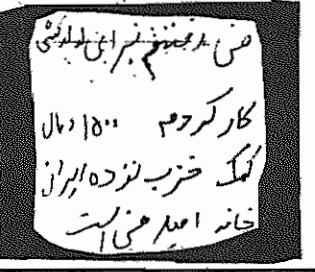
### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

احمد از رودسر ۵۰۰۰ ریال (در شماره ۴۳۵ اشتباهاً صد هزار ریال درج شده بود)

ماهیکیری از بندر انزلی ۱۰۰۰ ریال

امیر - منصور از رشت ۱۰۰۰۰ ریال

زفیق ه از ساری می نویسد: «من رفتم برای لوله کشی کنار گرم ۲۵۰۰ ریال کمک. حزب توده ایران خانه امید من است»



از مردم سلب کند، افزوده شده است. در این لایحه سرنوشت سازمانهای سیاسی بیک کمیسیون هفت نفری سپرده میشود و آنان هستند که باید «به درخواست متقاضیان» رسیدگی کنند و حتی را که «قانون اساسی بصورت عام برای تمام مردم قائل شده است» آنان بصورت خاص به آنان بدهند و یا اصولاً ندهند! در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیل، که يك قوه مجریه مغرض می تواند برای تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوءاستفاده کند، بازم وجود دارد.

مسئله «قانون احزاب» تنها يك مسئله قانونی هم نیست. این مسئله می تواند بصورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آید. اگر مقصود از گذراندن «قانون احزاب» تحقق اصول قانون اساسی است، که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشت، و اگر مقصود چیز دیگری است، آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، عاقلانه است که خودمان بدست خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنج های داخلی کشور بیفزاید و دلیلی بدست دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ «آزادی» را محکمتر بسینه خودشان بکوبند؟

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس و حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها»، اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین بی خدشه آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، راهنمای خود قرار دهند و هرگونه محدودیتی را در این زمینه از بین ببرند و چه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه به تصویب برسانند. ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار می دهیم.

### آنچه می تواند راهگشای...

جوانب بین المللی این مسئله را در بر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را.

لئونید برژنف سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کاهش انواع آن پرداخت و گفت:

«این مسئله حائز اهمیت فوق العاده است و ما حاضریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدست آمده است، بپذیریم با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم. بدیهی است که این مذاکرات فقط میتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این بازی دچار توهمان بی پایه باشد».

ما حاضریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها و مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریائی «تراپیدنت» دست بردارد و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان صرف نظر کنیم. امریکائیا پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر دریائی جدیدی بنام «داهاو» مجهز به موشکهای «تراپیدنت» ساختند و ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایفون» بسازیم. ما حاضریم درباره محدود کردن تولید زیر دریائیا «داهاو» و «تایفون» در دو کشور و همچنین درباره انصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود و تولید انواع جدید آن، که قابل نصب در زیر دریائیا نامبرده هستند، وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از هم اکنون از استقرار سلاحهای میان برد جدید موشکی و هسته ای در اروپا صرف نظر کنند، یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هسته ای خط مقدم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی به همین حال باقی بماند».

ما پیشنهاد میکنیم که يك کمیته ذیصلاح بین المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند».

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم سازی اوضاع بین المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیت با شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد، رهبران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند در این اجلاس شرکت کنند».

لئونید برژنف افزود: «این پیشنهادها تازه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست، که حادث ترین و مبرم ترین مسائل بین المللی کنونی را در بر میگیرد».

لئونید برژنف در گزارش خود یادآور شد که: «وظیفی که کنتره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است».

لئونید برژنف سپس اظهار داشت که: «این وظایف در شرایط مبارزه بین دو سمت مختلف در سیاست جهانی: سمت مبار کردن مسابقه تسلیحاتی، تحکیم صلح و تشنج زدائی و دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملتها از یکسو، و سمت تشنج زدائی و دامن زدن بمسابقه تسلیحاتی و سیاست، تهدید و مداخله در امور داخلی سایر کشورها و سرکوب مبارزات آزادی بخش از سوی دیگر، انجام گرفته است».

در سالهای بین دو کنتره، مبارزه انقلابی ملت ها پیروزیهای تازه ای بدست آورده است. گواه این مدعا انقلابهای اتیوپی، افغانستان، نیکاراگوئه و سرنگونی رژیم ضد مردمی سلطنتی در ایران است. در دهه سالهای ۷۰ عملاً امراتوریهای استعماری پایان پذیرفت».

لئونید برژنف سپس به بحث درباره مسائل مربوط به همکاری کشورهای سوسیالیستی پرداخت و گفت:

«حزب ما، کمیته مرکزی و دفتر سیاسی آن، در تمام این سالها حداکثر کوشش را در راه تقویت دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی بکار بسته اند».

لئونید برژنف افزود: «ما همه با هم سرگرم ایجاد دنیای تازه سوسیالیسم و برقراری روابط تازه عادلانه، برادرانه و برابر بین کشورهایمان هستیم، روابطی که در تاریخ بی سابقه است. روابط اتحاد شوروی با کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی، یعنی بلغارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لائوس، موزامبیک، لیبی، رومانی، چکسلواکی بر این پایه بنا شده است. ما در زمینه کلیه مسائل عمده پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و سیاست بین المللی وحدت نظر اصولی و استوار داریم. ما این وحدت نظر را، که ثمره

همکاری های مداوم احزاب کمونیست برادر است، دستاورد بزرگ مشترکمان میدانیم».

با آنکه سالهای اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی بلحاظ اقتصادی، سالهای پر ثمر نامید، ولی با این وجود، آهنگ رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی، ظرف ده سال اخیر دو برابر آهنگ رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری بوده و کشورهای عضو شورا همچنان در چرخه کشورهای جهان، که با سرعت زیاد ترقی کرده اند، باقی مانده اند».

لئونید برژنف گفت: «ما مسائلی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می آید، مشترکاً حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه حل را برای تلفیق هر چه بیشتر منافع هر يك از کشورهای برادر با منافع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بیابیم. برای مثال میتوان قیمت گذاری نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی را، که بین کشورهای عضو «شورای همکاری» مبادله میشود، نام برد. موارد خاصی پیش می آید که باید به کشورهای برادر کمک فوری ابراز داشت، چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۷۹ - هنگامیکه در معرض تجاوز وحشیانه پکن قرار گرفت - پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرنگ مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و وسایل فنی به ویتنام فرستادند. همچنین به کامبوج، که دارو دسته پولپوت، سرسپردگان پکن، آنرا به ویرانه تبدیل کرده بودند، کمک فوری داده شد».

لئونید برژنف افزود: «اینست معنای اंतर ناسیونالیسم سوسیالیستی، و مردم ما آنرا به خوبی درک و تأیید میکنند».

لئونید برژنف گفت: «کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی با غرب موافقت و آنرا یکی از عوامل ثبات وضع بین المللی می دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشور های سرمایه داری را نادیده گرفت. آنها غالباً تلاش میکنند که روابط اقتصادی را به اهم فشار سیاسی بر ما مبدل کنند. انواع و اقسام تحریمها و محدودیتهای توأم با تبعیض در زمینه بازرگانی با این یا آن کشور سوسیالیستی گواهی بر این مطلب است».

لئونید برژنف سپس به وقایع لیبستان اشاره کرد و گفت: «آنجا که بر اشتباهات و خطاهای سیاست داخلی، توطئه ها و خرابکاریهای امپریالیسم افزوده میشود، زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لیبستان چنین شد و مبنای دولت سوسیالیستی در معرض خطر قرار گرفت».

لئونید برژنف افزود: «کمونیستهای لیبستان، طبقه کارگر لیبستان، زحمتکشان این کشور می توانند به دوستان و متحدان خود اطمینان کامل داشته باشند: ما کشور برادرمان، کشور سوسیالیستی لیبستان را هرگز در مصیبت تنها نمیگذاریم».

لئونید برژنف گفت: «در کنتره قبلی گفته شد که کشورهای سوسیالیستی پیوسته بیکدیگر نزدیکتر میشوند. این روند همچنان در حال رشد و تکامل است، لیکن باید دانست که روند نامبرده بمعنای محو خصوصیات ملی و ویژگیهای تاریخی کشورهای سوسیالیستی نیست و تنوع اشکال حیات اجتماعی این کشورها و سازماندهی اقتصادشان موجب غنای راهها و شیوه های برقراری نظام سوسیالیستی میگردد».

لئونید برژنف سپس به بحث درباره روابط اتحاد شوروی و چین پرداخت و اظهار داشت: «متأسفانه هنوز نمیتوان گفت که در سیاست خارجی پکن تغییرات عمیقی در جهت بهبود این سیاست روی داده است. سیاست خارجی چین همچنان در جهت تشنج زدائی و پهلوی به پهلوی با سیاست امپریالیسم پیش میرود. هدف ایالات متحده آمریکا و ژاپن و برخی از کشورهای عضو ناتو از گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با چین، بهره گیری از سیاست خصمانه چین نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، بسود مقاصد امپریالیستی خودشان است. علت سردی در روابط چین و اتحاد شوروی موضع ما نیست. اتحاد شوروی درصدد رویارویی با جمهوری توده ای چین نبوده و نیست. ما به پیروی از تصمیمات کنتره های بیست و چهارم و بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی مایلیم که روابط خود را با جمهوری توده ای چین، بر اساس حسن همجواری، بنا کنیم. پیشنها های ما در مورد عادی کردن روابط بین دو کشور همچنان بقوت خود باقیست و در احساسات دوستی و احترام ما نسبت به خلق چین نیز کوچکترین خللی وارد نشده است».

ادامه نطق لئونید برژنف را در شماره فردا میخوانید».

# نامه سرگشاده سازمان جوانان توده ایران به «شورای انقلاب فرهنگی»

## با بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی بر مبنای نیازها و منافع انقلاب، دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را سرعت بخشید!

هشت ماه از تعطیل سراسری دانشگاهها و مدارس عالی کشور میگذرد. این مدت، مسئله دانشگاهها به یکی از مسایل حاد و مبهم جامعه بدل گردیده است. بانگاهی کوتاه به عوارض و پیامدهای تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور، با نتایج زیرین مواجه میگردیم:

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، نارضایتی بخش وسیعی از دانشجویان، استادان، کارکنان دانشگاهها، دبلمه‌های پشت کنکور و خانواده‌های آنان را برانگیخته و، در نتیجه، زمینه مناسبی برای بهره‌گیری و سوءاستفاده ضدانقلاب فراهم آورده است. ضدانقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی از این جوانان رضایی به منظور ایجاد انواع توطئه‌های آشوب‌ها بهره می‌گیرند. توطئه ۲۳ دی ۵۹، که نخستین بار توسط سازمان جوانان توده ایران (در اعلامیه مورخ ۲۰ دی ماه ۱۳۵۹) افشاء شد، نمونه‌ای از این بهره‌گیری است.

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، به ابزار مناسبی برای زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده است. آنان می‌کوشند با بهره‌گیری از این مسئله، چهره انقلاب شکوهمند ایران را با انگ "ضدیت با علم و دانش" بیالایند.

• تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، عواقب خطرناکی برای رشد و تکامل انقلاب و بازسازی میهن به بار آورده است. عاقل ماندن نیروی عظیمی، که می‌توانستند جذب این مراکز شوند و با فراگرفتن علوم و فنون به سازندگی میهن انقلابی بنحوی موثر یاری رسانند، عدم استفاده کامل از نیروی سفید موجود در دانشگاهها، به ویژه انترن‌ها و دانشجویان تربیت‌معلم و دانشجویان رشته‌های فنی و عدم بهره‌گیری کامل از مراکز آموزشی و امکانات فنی آنها و بالاخره محروم ماندن بخش وسیعی از نیروهای دانشجویی از مشارکت در امر دگرگونی نظام آموزشی و... از جمله این عواقبند.

مجموعه این عوامل، نگرانی ما از اینکه تداوم تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی پیامدهای ناگوار بیشتری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به بار آورد، و احساس تبعید و طیفه‌های که در قبال سرنوشت انقلاب و فرهنگ ایران انقلابی می‌کنیم، ما را بر آن داشت، تا بار دیگر نظرات خویش را درباره "مسئله دانشگاهها" بیان داریم، بدین امید که مورد توجه جدی شما مسئولین و دست‌اندرکاران محترم انقلاب فرهنگی قرار گیرد.

## لزوم تحول بنیادی در نظام آموزش عالی از کجا ناشی می‌شود؟

انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، انقلابی از نظر مضمون ضد امپریالیستی و مردمی است، که هدف آن ریشه کن ساختن سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و نواستعمار، به سرکردگی آمریکا، از میهن ما و تأمین آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک برای توده‌های وسیع مردم است. یکی از عرصه‌های مهمی که انقلاب ضرورت دگرگونی بنیادی آن را مطرح ساخته، عرصه فرهنگ و از آن جمله آموزش عالی است. نگاهی به نظام آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم گذشته، ضرورت این دگرگونی عمیق و بنیادی را نشان می‌دهد:

## آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم

در دوران سلطنت ننگین خاندان پهلوی و به ویژه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سلطه امریمنتی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر همه شئون زندگی میهن ما و از جمله بر فرهنگ و نظام آموزش عالی برقرار بود. نظریه

نقش مهم آموزش عالی در کمک به ایجاد تکنولوژی ملی و پرورش نسل متخصص و کارآمد کشور، این عرصه مورد توجه جدی امپریالیسم و عمال داخلی آن قرار داشت. دانشگاه بعنوان یکی از مراکز مهم علمی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، آماج انواع طرح‌های نواستعماری بود. اجرای این طرح‌ها نظام حاکم بر آموزش عالی میهن مان را به نظامی عمیقاً ضد خلقی و در خدمت منافع امپریالیسم و ارتجاع حاکم بر ایران بدل ساخته بود. ویژگی‌های این نظام بدین قرار بود:

الف) نظام حاکم بر آموزش عالی خصیصتی غیرمردمی داشت و توده‌های وسیع جوانان زحمتکش کشور عملاً از حق تحصیل عالی محروم بودند.

ب) نظام آموزش عالی نه در خدمت پیشرفت و ترقی اجتماعی ایران، که در خدمت تشدید وابستگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم بود، زیرا:

• دروس آموزش عالی فنی مشوق و تقویت کننده صنایع مونتاژ بودند و هیچگونه پیوند موثری میان مراکز آموزش فنی و مراکز تولیدی وجود نداشت.

• دروس و ویژگی‌های زیستی و جغرافیایی کشور بود و هیچ ارتباطی میان آموزش کشاورزی و تولید کشاورزی در میهن مان وجود نداشت.

• دروس و آموزش علوم انسانی و اجتماعی، زیر سلطه کامل نظریات بورژوازی و نواستعماری قرار داشت و تفالسه اندیشه‌های نظریه پردازان سرمایه‌داری، به ویژه نظریه پردازان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، بعنوان آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی، به خورد دانشجویان داده می‌شد.

• توزیع دانشجویان در رشته‌های گوناگون به هیچوجه با نیازهای رشد صنعتی کشور تطابق نداشت. در شرایط نیاز مبهم کشور به کادر متخصص جهت توسعه صنعت و کشاورزی و در شرایط کمبود وحشتناک پزشک در کشورمان، تنها درصد اندکی در این رشته‌ها به تحصیل اشتغال داشتند و درصد عمده دانشجویان در رشته‌های غیرتولیدی و غیرپایه‌ای تحصیل می‌کردند. این امر جزئی از طرح نواستعماری امپریالیسم برای تداوم و تشدید وابستگی میهن مان بود. طبق آمار یونسکو در سال ۱۹۷۱، از ۹۷۳۳۸ نفر کل دانشجویان ایران، ۱۵۲۸ نفر در رشته‌های علوم طبیعی و دقیقه، ۱۷۴۵۱ نفر در رشته‌های مهندسی و ۴۱۵۴ نفر در رشته کشاورزی تحصیل می‌کردند، یعنی در مجموع فقط ۳۷/۸ درصد دانشجویان در رشته‌های کلیدی و حیاتی به تحصیل اشتغال داشتند.

ج) آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک دانشجویان توسط رژیم شاه ملعون و کارگزاران آن شدیداً پایمال می‌شد، دانشجویان و دانشگاهیان از حق شرکت موثر در اداره مراکز آموزش عالی محروم بودند و هرگونه تلاش برای نیل به آزادی

اندیشه و بیان و هرگونه اعتراض به نظام نواستعماری آموزشی، توسط ساواک و گارد با خشونت سرکوب می‌شد. (د) بوروکراسی، که از اهمیت رژیم گذشته برمی‌خاست، تار و بود سیستم آموزش عالی - نظیر تمامی دستگاه‌های کشور - را به بند کشیده بود و این امر امکان هرگونه شکوفایی استعداد و خلاقیت فکری را سلب می‌کرد.

## آموزش عالی پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، چشم‌اندازهای نوینی در عرصه نظام آموزش عالی گشوده شد. همه نیروهای مترقی دانشجویی - از جمله دانشجویان توده‌ای - با شور و شوق به انقلاب تهنیت گفتند و چشم انتظار دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی گردیدند.

ولی دولت موقت لیبرال‌ها در دوران حکومت خود، نه تنها هیچ اقدامی در جهت تحول بنیادی در آموزش عالی نکرد، بلکه حتی اساتید سرشناس نظامی و تامل‌ها در کف حمایت لیبرال‌ها به "تدریس" ادامه دادند. محتوی دروس نیز تغییری نکرد. در این دوران اگر اقداماتی در زمینه تصفیه عناصر ساواکی و یا شرکت دانشجویان در اداره امور دانشگاهها و غیره انجام گرفت، تنها در اثر فشار نیروهای مترقی دانشجویی و در مقابله با کارشکنی‌های لیبرال‌ها و دیگر مدافعین نظام کهنه آموزشی بود. علاوه بر آن، پدیده دیگری نیز رشد کرد که بعنوان پدیده‌های منفی برضعف‌های اساسی دانشگاهها و مدارس عالی افزوده شد و آن سوء استفاده گروهک‌های ضد انقلابی چپ‌نما از آزادی‌های سیاسی موجود در جامعه دانشگاهها بود.

در این شرایط حساس، که لیبرال‌ها و وابستگان به رژیم ضد فرهنگی گذشته سد راه هرگونه تحول در نظام آموزش عالی گردیده بودند، در شرایطی که گروهک‌های چپ‌نما دانشگاه را عرصه فعالیت‌های ضد انقلابی خود قرار داده بودند، متأسفانه هیچگونه همکاری موثری در میان نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران (که اکثریت مطلق دانشجویان را تشکیل می‌دادند) وجود نداشت. خودبینی‌ها و انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری‌ها از یک سو و چپ‌روی‌ها از سوی دیگر، سد راه این همکاری و اتحاد گردیده بود.

در آن زمان، تنها دانشجویان توده‌ای بودند که همه گروه‌های مترقی دانشجویی را به اتحاد عمل و همکاری فراخواندند و آنان را به بسیج در مقابل گروهک‌های ضد انقلابی مائوئیستی و فعالیت پیگیر در راه انجام دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی دعوت می‌کردند.

دانشجویان توده‌ای از نخستین روز فعالیت علنی خویش در دانشگاهها، که به برکت انقلاب شکوهمند مردم ایران پدید آمد، با تمام نیرو در راه ایجاد جو فکری و هماهنگی با دیگر گروه‌های مترقی دانشجویی، به ویژه بانجن - های اسلامی دانشجویان، کوشیدند و برای تحقق اتحاد و تشکیل دانشجویان، شمار "پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانشجویی" را مطرح ساختند. ولی متأسفانه این تشکل، که در آن شرایط می‌توانست نقش مهمی در تحول نظام آموزش عالی در راستای منافع و نیازهای انقلاب و تضمین کننده سلامت محیط آموزشی در قبال فعالیت گروهک‌های

ضد انقلابی و مائوئیستی گردد، تحقق نیافت. کارشکنی لیبرال‌ها در امر دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی - که امروزه گستاخانه سنگ دفاع از علم و دانشگاه را به سینه می‌زنند - و تشدید فعالیت‌های خرابکارانه گروهک‌های ضد انقلابی در دانشگاهها و مدارس عالی، موجب گشت که بخشی از نیروهای مترقی دانشجویی، برای انجام "انقلاب فرهنگی"، شیوه نادرست تعطیل دانشگاهها را بعنوان تنها شیوه ممکن برگزینند.

حوادث تاسف‌بار اردیبهشت ۱۳۵۹، که بدون تردید امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش در برافروزی آن نقش مهمی داشتند، منجر به درگیری در دانشگاهها و تشنج در شهرهای دانشگاهی گردید. ما در آن زمان دست آلوده امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش را در پس این تشنج آفرینی دیدیم و، برای جلوگیری از تشدید درگیری، بلافاصله دفا تر خود را در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور تعطیل کردیم و دانشجویان را دگرباره به آراش و همیاری در جهت ایجاد یک نظام آموزشی انقلابی، مترقی و مردمی فراخواندیم. تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در طیس، که بلافاصله پس از حوادث دانشگاهها روی داد، ارزیابی ما را به نحوی انکارناپذیر تایید کرد.

از آن پس، از سوی بخشی از دانشجویان و استادان دانشگاهها، مسئله تعطیل مراکز آموزش عالی پیگیری شد و با حمایت محافلی از مسئولین ملکی، این امر در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹، بدون یک برنا مریزی و دورنمای روشن، انجام گرفت.

## تعطیل دانشگاهها و عوارض آن

در آن موقع این سؤال با شدت هرچه تمام تر مطرح بود که: آیا برای انجام تحول انقلابی در آموزش عالی باید نخست آن را از حرکت بازداشت و آنگاه هر چند وقت که طول بکشد! - آن را به حرکت درآورد و در این فاصله دگرگونی‌های لازم را انجام داد؟ و یا اینکه می‌توان این تحول انقلابی را در شرایط باز بودن دانشگاهها و با مشارکت توده‌های دانشجویی و همه دانشگاهیان و در حال حرکت و فعالیت موثر دانشگاهها انجام داد؟

ما به قسمت دوم معتقد و بر آن بودیم که تعطیل درازمدت دانشگاهها - حتی اگر با نیت خیر و به قصد برنامه ریزی برای "انقلاب فرهنگی" باشد - از جمله عوارض زسین را به بار خواهد آورد: ۱- ۱۷۵ هزار نفر دانشجو که می‌بایست هرچه سریع تر آموزش ببینند و فعالانه در خدمت بازسازی جامعه به کار گرفته شوند - عا طل می‌مانند و به صف چند میلیونی بیکاران می‌پیوندند. ۲- قریب به ۹ هزار نفر کادر علمی دانشگاهها و مدارس عالی بیکار خواهند شد.

۳- صدها هزار دبلمه پشت کنکور همچنان چشم انتظار ورود به دانشگاه خواهند ماند و بخش عظیمی از آنان به صف بیکاران افزوده خواهند شد. ۴- مراکز آموزشی و امکانات عظیم علمی، فنی، آزمایشگاهی و پژوهشی دانشگاهها تقریباً بلا استفاده می‌مانند و مقدار معتابهی خرج نگهداری آنها خواهد شد. ۵- برای مدت‌ها، میهن انقلابی ما، در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری به نیروی متخصص برای بازسازی نیاز دارد، از تربیت کادر متخصص و ورزیده محروم خواهد ماند.

ع - در چنین شرایطی، جای خالی بخش عظیمی از جوانان - که باید اداره امور کشور را بدست گیرند، ولی از کسب تخصص علمی و فنی محروم می‌مانند - لاجرم توسط متخصصین تحصیل کرده در کشورهای سرمایه‌داری غرب، که بطور عمده از خانواده‌های مرفه و متاثر از شیوه تفکر و زندگی سرمایه‌داری غرب هستند، پر خواهد شد. علاوه بر آن، بخشی از جوانان برای ادامه تحصیل راهی کشورهای سرمایه‌داری می‌شوند، که این خود مبالغ قابل توجهی ارز از کشور خارج خواهد ساخت.

۷- بیکاری گروه‌های ذکر شده نارضایتی خود و خانواده‌هایشان را بدنبال خواهد داشت و، در نتیجه، برای ضد انقلاب، زمینه لازم جهت تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد ساخت.

ما با پیشبینی عوارض فوق و نیز با توجه به این نکته مهم که، تعطیل مراکز آموزش عالی نیروی خلاق دانشجویان را از شرکت در انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی باز خواهد داشت، با تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی مخالفت کردیم. به نظر ما، تعطیلات سه ماهه تابستان برای پی‌ریزی و برنامه‌ریزی چنین تحولی، با توجه به ضرورت مبرم و حیاتی استفاده و بهره‌برداری از امکانات انسانی مراکز آموزش عالی، کافی بود. به همان گونه که در زمینه آموزش عالی دانشگاهی - که دامنه آموزش عالی را دربر می‌گیرد - گسترده‌تری در مقایسه با آموزش عالی در - برای انجام تحول بنیادی، تعطیل دبستانها و دبیرستانها ضرورتی نیافت و انجام این تحول، همگام و همزمان با فعالیت مدارس، انجام می‌گیرد، در مورد دانشگاهها و مدارس عالی نیز چنین امری ممکن، میسر و لازم بود.

بهر حال و علیرغم تمامی این استدلالها و دلایل منطقی، دانشگاهها و مدارس عالی از خرداد ماه سال ۱۳۵۹، با دورنمای مبهم و بدون طرح برنامه‌های روشن، تعطیل شد و "شورای انقلاب فرهنگی"، بعنوان ارگانی که وظیفه خطیر و سنگینی تهیه طرح‌های انقلابی برای تحول در آموزش عالی و ایجاد محل‌های ضرور برای بازگشایی مراکز آموزش عالی را به دوش دارد، تشکیل شد و، به دنبال آن، نهادهایی چون "جهاد دانشگاهی" و کمیته‌های گوناگون دیگر شروع به کار کردند.

## عملکرد چند ماهه دست اندرکاران «انقلاب فرهنگی»

برخورد منصفانه و مبتنی بر اخلاق انقلابی حکم می‌کند که هر انسان انقلابی در ارزیابی عملکرد مسئولین محترم و دیگر دست‌اندرکاران «انقلاب فرهنگی» این واقعیت انکارناپذیر را تصدیق کند که، در این چند ماه، آنها بی‌وقفه و با خلوص نیت تلاش کرده‌اند و تمام مساعی خود را برای انجام وظایف سنگین فوق و تحقق هدف‌های مبرم دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی به کار گرفته‌اند. ولی صرف نظر از این تلاش قابل تقدیر و این نیت پاک و انقلابی، آیا «شورای انقلاب فرهنگی» و دیگر دست‌اندرکاران «انقلاب فرهنگی» تاکنون موفق شده‌اند که نتایج راسخ راسی از عطلت دانشگاهها را جبران کنند و برای امر انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها دورنمایی روشن ترسیم کنند؟

نظری به بخت عمده عملکرد چند ماهه دست اندرکاران «انقلاب فرهنگی» برای پاسخ بدین پرسش، ضرور است:

## الف: جذب نیروی دانشجویان

بمنظور جذب نیروی ده‌ها هزار نفری دانشجویان (که بعنوان یکی از عوارض تعطیل دانشگاهها بر شمرده می‌شود) مرکزی به نام "جذب نیرو" تشکیل شد. هدف‌های این مرکز چنین اعلام شد: "دفتر جذب نیرو که از طرف دانشجویان باز شده ... برای جذب دانشجویان است. البته (ما میداریم) که به این ترتیب همه دانشجویان جذب بشوند و این امری است که ما باید بدان بقیه در صفحه ۶

### کارگران کارخانه کیوار:

## همه جای کشور، جبهه است

مهمترین خواست ما راه افتادن مجدد کارخانه است  
در کار تشکیل سندیکا کارکنی میگردند، ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زیادی هم انجام داده.  
دولت باید هر چه زودتر قانون شوراهای کارخانه ها را روشن کند

کارخانه پروفیل سازی کیوار (تهران) دارای ۲۲۰ کارگر و ۳۸ کارمند است. از نظر مواد اولیه این کارخانه به طور عمده وابسته به خارج است و مواد اولیه آن از کشورهای ژاپن، انگلستان و... تأمین می شود. بعد از تحریم اقتصادی، مواد اولیه این کارخانه از طریق دلالان بین المللی خریداری شده است. در صورت گسترش و افزایش تولید، کارخانه های ذوب آهن اصفهان و نورد اهواز می توانند مواد اولیه مورد نیاز کارخانه های پروفیل سازی را تأمین کنند و این کارخانه و دیگر کارخانه های پروفیل سازی کشور را خودکفا کند. این کارخانه از اوایل آذرماه امسال به علت نبودن مواد اولیه تعطیل شده است. دبیر سندیکای کارگران در این مورد می گوید:

"پس از انقلاب، در اثر کوشش کارگران، ۳۵٪ به تولید این کارخانه اضافه شد و به این علت مواد اولیه ذخیره این کارخانه سرپا مصرف و تمام شد. مواد اولیه خریداری شده هم به علت شروع جنگ به موقع به کارخانه نرسید و کارخانه تعطیل شد. ولی هر موقع که مواد اولیه برسد، کارخانه شروع به کار خواهد کرد."

۴۹٪ سهام این کارخانه دولتی و بقیه آن متعلق به بخش خصوصی است. پیش از انقلاب مقداری از سهام این کارخانه از طرف سهام داران خصوصی به کارگران فروخته شده است. یکی از کارگران در این مورد می گوید:

"فروش سهام کارخانه از طرف آن ها برای جمع کردن پول کارگران در دست

خودشان بود، سهمی که به ما فروختند، هیچ ارزشی نداشت. سرمایه دار سهم اش را می برد و چند برابرش از بانک وام می گرفت. ولی سهم کارگرها هیچ فایده ای نداشت."

از ۱/۵ سال پیش، کارگران این کارخانه سندیکای خود را تشکیل داده اند. دبیر سندیکا در مورد چگونگی تشکیل سندیکا می گوید:

"برای تشکیل سندیکای حمت فراوان کشیدیم. عده ای از بیسوادی کارگران استفاده می کردند و تقلب می کردند و در کار تشکیل سندیکا کارکنی می کردند. ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زیادی هم تا به حال انجام داده است، از جمله:

- ۱) گرفتن سه میلیون تومان وام برای کارگران،
- ۲) گرفتن اضافه حقوق برای کارگران طبق قانون وزارت کار،
- ۳) مجانی کردن ناهار و یکنواخت کردن ناهار خوری کارگران و کارمندان،
- ۴) گرفتن سود ویژه تا قبل از لغو آن برای کارگران،
- ۵) تأمین وسایل ایمنی کار برای کارگران و کارهای دیگر.

ولی هنوز از نظر بهداشتی وضع کارگاه ها خوب نیست، که این را هم، اگر کارخانه راه بیفتد، درست می کنیم. در جواب این سؤال که: "آیا در صدد هستید که شورایی تشکیل بدهید یا نه؟" یکی دیگر از نمایندگان کارگران می گوید:

"اسم مهم نیست، مهم عملکرد است و برای همین ما منتظریم تا قانون شوراها

### کارگران انبار چیت مازندران: باید وسایل ایمنی و رفاهی را تأمین کرد

## کارگران می گویند: ما کارگران برای اینکه کشور را حفظ کنیم یا باید در جبهه بجنگیم یا در محل کار، تولید را بالا ببریم

در انبار چیت مازندران (تهران) ۲۲ کارگر کامیون های حامل پارچه های تولید شده در کارخانجات نساجی مازندران را تخلیه می کنند و کامیون های راکه به فروشگاه های تهران پارچه می رسانند، بارگیری می کنند. اکثر کارگران این انبار، پس از انقلاب رسمی شده اند و چهره های جوان در میان آن ها بسیار دیده می شود. میزان حقوق ماهیانه کارگران به طور متوسط ۲۸۰۰ تومان است و همگی دارای دفترچه بیمه هستند.

کارگران این انبار همچون دیگر بخش های طبقه کارگر، با جان و دل کار می کنند و از هیچ کوششی برای پیشبرد اهداف انقلاب مضایقه ندارند. کفایت یادآور شویم که همین کارگران پیش از انقلاب روزانه فقط دو کامیون بار تخلیه می کردند، در حالی که اکنون روزانه ۱۷ کامیون بار تخلیه می کنند. یکی از کارگران در این مورد می گوید:

"پیش از انقلاب کارگران چندان مایل به کار کردن نبودند، ولی الان با وجودی که شرایط کار تغییر چندانی نکرده، ولی کارگران اگر تا ساعت ۸ شب هم کامیون به انبار بیاید، کار را متوقف نمی کنند."

شرایط سنگین و طاقت فرسا از خصیصه های کار در انبار است. ظرف دو سال گذشته ۳ تن از کارگران این انبار در اثر بلند کردن بار سنگین تحت عمل جراحی قرار گرفته اند. انبار، به جز چند وسیله اولیه برای اطفاء حریق، فاقد امکانات دیگر ایمنی و رفاهی است. فضای انبار، با وجود

چند هواکش، غرق در ذرات گرد و غبار است. کارگران می گویند:

"تابستان ها گرد و غبار آنچنان زیاد است که نفس کشیدن در انبار ممکن نیست."

سال گذشته به کارگران این انبار لباس مخصوص کار دادند، ولی امسال از آن خبری نیست. از همین رو کارگران لباس های نامناسبی دارند و فاقد کفش ایمنی هستند. آنان به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند ناهار با خود از خانه به محل کار بیاورند. کارگران از سرویس رفت و آمد نیز بی بهره اند. بسیاری از کارگران روزانه تا ۴ ساعت برای رفت و آمد وقت صرف می کنند. زاننده لیفترا انبار می گوید:

"سرویس رفت و آمد خواستیم، به ما گفتند خانه های کارگران در سطح تهران پراکنده است و وجود سرویس رفت و آمد امکان پذیر نیست. من پیشنهاد کردم که صبح ها یک مینی بوس برای مدت ۲ ساعت در اختیار ما بگذارند، تا تمام کارگران را به محل کار بیاوریم، ولی قبول نکردند. حقوق اضافی هم نمی خواهیم."

وی در باره جنگ و موقعیت کنونی کشور می گوید:

"این در خصلت انقلاب ما است که تا آخر در مقابل دشمنان ایستد. در جنگ با عراق نقش اصلی با آمریکا است. صدام هم جز مهره ای در دست آمریکا نیست. آمریکا دو کشور را به جان هم انداخته و خودش سود می برد. ما کارگران برای این که کشور را حفظ کنیم، یا باید در جبهه بجنگیم و یا در محل

### طبقه کارگر ایران در افزایش تولید،

## تورم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

## دستفروشی: صورتی پرچهره زشت بیکاری

از نیروی انبوه دست فروشان در بازسازی پنبه اقتصادی کشور استفاده کنیم!

یکی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی کشور ما، مسئله بیکاری است. بیکاری از میراث های شوم رژیم طاغوت است و آثار آن پس از انقلاب نمایان تر شده است. با پیروزی انقلاب، بر اثر توطئه های عوامل وابسته امپریالیسم و جیره خواران رژیم طاغوت، برانپوه عظیم بیکاران افزوده شد. عده زیادی از بیکاران کشور برای تأمین مایحتاج زندگی مجبور شدند به مشاغل کاذبی چون دستفروشی روی آورند. این دست فروشان بیشتر از دهقانان بی زمین هستند، که به علت فقر شدید، مجبور به مهاجرت به شهرها شده اند. در کنار این ها، گروهی از کارگران موسسات، کارخانه ها و کارگاه های ورشکسته و تعطیل شده نیز هستند. دست فروشان به علت نداشتن کار ثابت، کمی درآمد و گرانی مایحتاج زندگی، شرایط سختی را تحمل می کنند. دست فروشان زنچنان نیز از این جمله اند. با تئوری چند از آن ها به گفتگوی نشینیم. حسن هفده ساله، که خانواده او به علت نداشتن زمین از روستای "سلمان رود" به "زنجان" مهاجرت کرده است سیگار فروشی می کند. می گوید:

"باید زندگی را تأمین کنم، مجبورم از صبح تا عصر دستفروشی کنم. آخر کار دیگری ندارم. بعضی از مواقع کار نیست و درآمدی نداریم. در بهترین حالت، درآمد روزانه ما بیست و پنج تومان است. گرانی مایحتاج زندگی فشار بیش از حدی به ما وارد می کند و سطح زندگی ما را پایین آورده است. از این کار راضی نیستیم و امیدوارم دولت برای ما کار ثابت و شرافتمندانه ای تهیه کند."

حسن تا کلاس چهارم ابتدایی درس خوانده و بعد اجباراً ترک تحصیل کرده است. درباره انقلاب می گوید:

"ما محتماً در مقابله با آمریکا پیروز خواهیم شد."

بایکی دیگر از دست فروشان به صحبت می نشینیم. نامش "اللهیار" است و از روستاهای اطراف آمده است. او لباس های دست دوم می فروشد. وی می گوید:

"هشت سال است دستفروشی می کنم و روزی پنجاه الی صد تومان بیشتر درآمد ندارم."

در مورد گرانی می گوید:

"چون گرانی و تورم جنبه عمومی و

### قالی بافان باید از مزایای بیمه برخوردار شوند

در شهرستان آشتیان عده زیادی از زنان و دختران به قالی بافی اشتغال دارند. حدود ۹۵٪ آنها، قالی را برای صاحب کار می بافند و در مقابل دستمزدی دریافت می کنند. درآمد قالی بافان در حدود هشتاد تا صد هزار ریال عاید صاحب کار می شود، و حتی گاهی اوقات، که به زارداغ تراست، سود بیشتری نصیب او می شود.

از یکی از قالی بافان پرسیدیم: "چرا با گرفتن وام از دولت، خود اقدام به این کار نمی کنید، تا سود بیشتری نصیب شما شود؟" او گفت:

"سال گذشته به ما وام می دادند، ولی کمتر کسی وام گرفت. علت آنست که تنها وام دردمار را دو نمی کند، بلکه تهیه مواد اولیه برای مادشوار است. برای اینکار دانشا باید یک نفر در شهردار جستجوی آن مواد باشد و اینکار از عهده ما بر نمی آید. همچنین چون مواد اولیه را بطور عمده نمی خریم، از این جهت برای ما گران تمام می شود. در مقابل چون صاحب کار همیشه جنس را بصورت عمده می خرد، برای او از زنان تر تمام می شود."

مشکلات عمده قالی بافان عبارتند از:

- ۱- مشکل تهیه مواد اولیه (قالی بافی - خامه چی)،
- ۲- گران تمام شدن قیمت مواد اولیه برای آنها،
- ۳- مسئله فروش قالی به بازاریان و دلالان،
- ۴- مسئله بیمه،
- ۵- نداشتن پزشک متخصص در شهر و روستاهای اطراف، قرار گرفتن زیر پوشش بیمه، برای قالی بافان، یکی از مهم ترین مسائل است. بیشتر قالی بافان چون در محیط های غیر بهداشتی کار می کنند، به بیماری هایی چون امراض ریوی و چشمی دچار می شوند. باید همه این زحمتکشان از مزایای بیمه و سایر مزایای قانونی بهره مند شوند.

ویژه  
روستاهای  
استان فارس

# دهقانان فارس از کار هیئت هفت نفری راضی هستند

## می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد



عبدالله مجیدی (ابرقو - فارس)

"دولت می تواند به ما تلمبه، وسایل کشاورزی و کود بدهد، تا بتوانیم زمین های بایر را آباد کنیم. در محل ما کم آبی مشکل اساسی است. در صورت وجود تلمبه، می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد."

عبدالله در مورد حمله صدام و توطئه های آمریکا می گوید:

"توطئه های آمریکا وضدانقلاب بیشترین صدمه ها را به ما زده است. باید ضداقلاب را سرکوب کرد. مردم باید با دولت همکاری کنند، تا کسی نتواند آشوب کند. وحدت همه مردم برای مقابله با آمریکا لازم است. ما نباید بگذاریم یک وجب از خاک ایران را آمریکا و عراق بگیرند."

امام خمینی: بسه کشاورزان بگوئید مانه طرفدار فتووال هستیم نه طرفدار سرمایه دار.

## استقبال گرم دهقانان سرگدار - داراب از اقدامات

### هیئت هفت نفری

شده به اهالی سرگدار واگذار گردیده است، تاکلیه احشام. در آنها مجتمع شوند. برای آنها یک حلقه چاه عمیق نیز در نظر گرفته اند.

این عمل مثبت هیئت هفت نفری با استقبال اهالی روبرو شده است. اهالی می گویند:

"چون همه ما در عین حال که شغل دامداری را رها نمی کنیم، بکار کشاورزی علاقه داریم و به آن آشنا هستیم، از هیئت هفت نفری تقاضای واگذاری اراضی بیشتری داریم، تا بتوانیم هم علوفه دام ها و هم گندم و جو تولید کنیم. تاکنون حدود ۸۰ خانوار مادگی خود را برای ساکن شدن در منطقه واگذاری اعلام کرده اند. اهالی سرگدار پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نهادند. های انقلابی، بخصوص هیئت هفت نفری هستند و تاکنون ۳۰ راس گوسفند و چندین هزار تومان پول به جنگ زدگان کمک کرده اند."

اهالی منطقه احشام دزدون به علت داشتن چشمه و چاه به بنده علت داشتن چاه، همیشه همانجا ساکن هستند. جمعیت کل سرگدار حدود ۱۴۰ خانوار است. مناطق احشام چاله و دیگو هر کدام با حدود ۴۰ خانوار از دیگر احشام بزرگتر است. محل های مسکونی منطقه سرگدار در حقیقت عبارت است از فقط تعدادی خانه های گلی و دیگر هیچ. عده دام ها حدود ده هزار راس گوسفند است. تعدادی از اهالی دارای باغ های انگور، انجیر و بادام دیخی هستند. تا مین آب برای آسائیدن اهالی و شرب دام ها یکی از بزرگ ترین مشکلات اهالی سرگدار است. حدود ۲۵۰ هکتار از اراضی در منطقه بنه کلاغی (در شمال منطقه احشام چاله) که هم دارای منبع آب زیرزمینی است، هم خاکش مساعد کشاورزی است و هم اطراف آن مرتع است، توسط هیئت هفت نفری واگذاری زمین، ملی

## زمینهای بزرگ مالکان «تنگ خشک» را به روستائیان بی چیز واگذار کنید

در نزدیکی سیوند (واقع در ۲۰ کیلومتری مرودشت فارس) روستایی به نام تنگ خشک قرار دارد، که از بسیاری وسایل رفاهی محروم است. مهم تر از آن این که، ۵۰-۴۰ خانوار آن بدون زمین هستند و برای مالکان بزرگ رعیتی و چوپانی می کنند. این روستا در حدود ۵۰۰ هکتار زمین دارد، که در دست مالکان بزرگ متمرکز شده است. یک بزرگ مالک طاغوتی و غاصب معروف، درخت های روستاییان را از بین برد و تبدیل به باصلاح کشت مکانیزه کرد. او خانه و کاشانه عشایر را بر سرشان ویران کرد و آن ها را به چوپان ورعیت و محتاجان خود بدل نمود. یکی از دهقانان تنگ خشک می گفت: "ما احتیاج به زمین داریم، مالک ها همه زحمت ها را به ما می دهند، اما زمین نمی دهند."

به جاست که هیئت واگذاری زمین مرودشت، به زندگی بی بضاعت این کوچ نشینان توجه لازم را داشته باشد. واگذاری زمین به دهقانان تهنی دست تقویت پشت جبهه است.

بزرگ مالکان این روستا نه تنها در این ده، بلکه در بیشتر نقاط فارس زمین و باغ و گلگه دارند. زمین های سرقنات، که زرد، جنیز بیگی، لیرک، یوز، مهاجری، بالای دشت پال و از دشت پال تا سیوند متعلق به همین مالکان است. آن ها هم چنین در شیراز در گوشت، در مهگون، در سرحد، در کربال فارس زمین دارند. روستاییان واقعا چشم انتظارند و می خواهند که هیئت به آن ها برسد و حق غصب شده آن ها را از غاصبان (مالکان بزرگ و فتووال ها) پس بگیرد. با واگذاری زمین هم حق به حقدار خواهد رسید و هم ستون پنجم امپریالیسم تضعیف و ریشه کن خواهد شد.

بسیاری از مردم، سرگدار (از دهستان کوهستان واقع در داراب فارس) را بخاطر راه ارتباطی گوهستانی دشوارش و بخاطر گردنه بالشی یا گردنه مروارید می شناسند، که در زمان طاغوت، پول های کلان به بیانه ساختن آن حیف و میل شد. اما در این منطقه کوهستانی، مردمی سخت کوش زندگی می کنند، که آب ندارند و زمین زراعی بسیار کم دارند. حرفه اصلی مردم دامداری است. سرگدار در حقیقت یک روستا با مشخصات واحد نیست، بلکه اهالی آن، بجز خود روستای سرگدار، در پنج منطقه احشام دیگر به نام های چاله، دیگو، دزدون، چاه بنه و سنگینه زندگی می کنند. کسانی که در این احشام زندگی می کنند، در تمام فصول سال یک جا ساکن نیستند، بلکه به علت نداشتن آب یا علل دیگر، به مناطق احشام دیگر مهاجرت می کنند. مثلا احشام چاله و دیگو اصلا آب ندارد.

## درست نصف زمین های روستای دوقلوی کریم آباد و محمدآباد داراب، در دست بزرگ مالکان است

روستای کریم آباد تقریبا ۹۰ هکتار زمین دارد که ۴۵ هکتار آن متعلق به پانزده نفر دهقان و ۴۵ هکتار دیگر فقط متعلق به یک مالک است که دارای باغ و زمین در مناطق دیگر نیز هست. روستای محمدآباد تقریبا ۱۲۰ هکتار زمین دارد، که ۶۰ هکتار آن متعلق به ۱۲ نفر دهقان و ۶۰ هکتار دیگر متعلق به یک مالک است. عده های از دهقانها بر روی اراضی دو بزرگ مالک کار میکنند و سهم آنها فقط یک دهم محصول است. عده های از خوش نشین های این دو روستا در کوره های آجرپزی نزدیک روستا کار میکنند و بقیه بجز کار موقت در داراب و دیگر نواحی، برای پیدا کردن لقمه ای نان هیچ کاروکسبی ندارند. اجرای بند "ج" در این دو روستا خواست اساسی می مردم زحمتکش آن و منطبق با اهداف انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی مردم قهرمان ایران است.

این دو روستا در فاصله چهار کیلومتری جنوب غربی داراب در حاشیه جنوب غربی کوه پهنه قرار گرفته است. جمعیت حدود ۵۰۰ نفر (اخیرا توسط جهاد سازندگی جاده های ساخته شده، که پس از عبور از روستا های اکبرآباد و محمدآباد به چند روستای دیگر از قبیل عباس آباد و دوندگان و غیره می رسد. این دو روستا تقریبا بهم متصل هستند و در داشتن مدرسه و حسینیه و مسجد باهم مشترکند. جمعیت روستای محمدآباد و نیز وسعت زمین های آن از کریم آباد بیشتر است. اخیرا توسط جهاد سازندگی یک حلقه چاه برای آب آشامیدنی در روستا حفر گردیده. اهالی این دو روستا حمام ندارند و بی صبرانه در انتظار تمام کار حفر چاه و لوله کشی هستند. تفاوت و عدم اشتراک دو روستا در اساسی فتووال ها و بزرگ زمین داران آنها است. این دو روستا یکی از پر آب ترین و حاصلخیزترین روستاهای منطقه داراب است.

## جهاد سازندگی و اقدامات مفید آن در «دودج»

"دودج" در مسیر خرامه - شیراز و در نزدیکی روستای "داریون" واقع شده است. اکثریت اهالی روستا کشاورزان و تعداد کمی دامپروری میکنند. شورای ده تشکیل شده و چهار نفر مسئولیت انجام امور را بر عهده گرفته اند. جهاد سازندگی چند طرح آبرسانی، شن ریزی، ساختن دبیرستان، ایجاد کتابخانه، ایجاد دو کانال آبرفتی و ... را اجرا کرده است. واحد خدمات کشاورزی وابسته به جهاد سازندگی تا کنون اقداماتی به نفع اهالی زحمتکش کرده است. در اختیار گذاشتن سه دستگاه تراکتور با وسایل مربوطه، پخش کود شیمیایی بین کشاورزان، شخم زدن و دیسک و مرز بندی در حدود هزار هکتار زمین از جمله فعالیت های مردمی این واحد بوده است. هیئت هفت نفری واگذاری زمین، در حدود ۶۰ هکتار زمین بین ۱۲۰ نفر از اهالی، که به گروه های ۱۲ نفری تقسیم شده اند، واگذار کرده است. روستائیان برای مداوای بیماران خود ناچارند به خرامه یا شیراز بروند. روستائیان از اقدامات مفید و مردمی جهاد و هیئت راضی اند و خواستار گسترش فعالیت این نهادهای انقلابی هستند.

## پرای نجات کشاورزی منطقه - ششده قره بلاغ در منطقه

فسا - فارس بکوشیم

استفاده از پمپ های آبیاری، مجبوری بیرون کشیدن آب از دل خاک هستند و نیاز به روغن موتور و سوخت دارند. منطقه ششده و قره بلاغ فسا، از جمله آن مناطقی است که با وجود زمینهای مرغوب و حاصلخیز و آب زیرزمینی فراوان، کشاورزی آن در شرف نابودی است. این نابودی هم مولود کمبود مواد سوختنی برای تعداد زیادی از تلمبه های این دیار است. اگر به زودی

حمله ددمنشان رژیم صدام، با حمایت پشتیبانی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، و ارتجاع منطقه به نقاط نفت خیز کشورمان، بار سنگینی از مشکلات اقتصادی، بردوش زحمتکشان کشورمان گذاشته شده است. این مسئله مخصوصا از نظر مواد سوختنی جهت مصارف کشاورزی حائز اهمیت است، زیرا کشاورزان مناطق کم آب، با

فکری به حال کشاورزان این سرزمین نشود، خسارات زیادی را به دنبال خواهد داشت. در این منطقه هیچ سیستم آبیاری، جز سیستم پمپ های دیزلی وجود ندارد، که اگر سوخت و روغن پمپ های آبیاری تامین نشود، نیش از نیمه از اقتصاد کشاورزی منطقه فسا به نابودی کشیده خواهد شد. از هر طریق ممکن به کمک کشاورزان این منطقه بشتابیم.

## دامپروری و دامپریشکی «فسا» به یاری بیشتری نیاز دارد

در منطقه فسا دامپروری و دام داری، چه از نظر سنتی و چه به شکل صنعتی، در حال رشد و پیشرفت است و در عین حال مشکلات و نارسائی های هم دارد. این مشکلات به ویژه در زمینه شکل پرداخت وام دامپروری و مشکلات دامپریشکی و کمبود دارو، ضرر های اقتصادی فراوانی بجای می گذارد. در مورد پرداخت وام، هیچ برنامه اصولی در مورد شناسائی دامداران واقعی و مستحق دریافت وام وجود ندارد. وام دامپروری عملا شامل کسانی می شود که یا اصلا دامدار نیستند و یا اینکه نیازی به وام ندارند. برای اثبات این ادعا می توان از دامداران خرد به نظر خواهی به عمل آورد.

مشکل اساسی دیگر دامداران این منطقه، کمبود دارو و واکسن است. با تکیه بر همکاری خیلی نزدیک دام پریشکی و جهاد سازندگی و فعالیت هر دو در جهت رفع کمبود ها، می توان کمبود دارو و واکسن را مرتفع ساخت. عملا ثابت شده است که برای رفع مشکل دامداران از نظر بهداشت و درمان، همکاری هر چه بیشتر جهاد و دامپریشکی لازم است باید دامپریشکی را از نظر

نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۳

بپردازیم و بر خودمان روشن کنیم. (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۸)

و از سوی دانشجویان عضو "دکتر جذب نیرو" چنین گفته شد:

"ما در درجه اول با توجه به امکاناتی که خودمان داریم، فقط بعنوان یک جمع دانشجویی آن برادران و خواهران را به کارگیری کنیم که این حرکت را قبول داشتند، ولی باز آدم‌هایی نبودیم که به قول معروف دگم باشیم و همراه با خواهم کسار بگذاریم. در نظرمان هست، حتی طرحی داریم، که اگر امکانات بدست بیاوریم، همه افراد به کار گرفته شوند و واقعا در جهت خدمت به جامعه کار کنند." (اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۱)

و چندی بعد نیز، در اطلاعیه "ستاد انقلاب فرهنگی" - مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ - چنین اعلام شد:

"ستاد جهاد دانشگاهی از ابتدای فعالیت خود بطور پیگیر به دنبال تهیه طرح استفاده از نیروهای دانشگاهی و برنامه‌ریزی برای به کارگیری هر چه بیشتر و سریع‌تر این نیروها بوده است... و اکنون در اولین مرحله برای این گروه از دانشجویان فنی طرح‌های اجرایی تهیه کرده‌ایم... بعلاوه نیاز مملکت به امور خدماتی، درمانی، فنی و اداری این طرح‌ها بتدریج کلیه دانشجویان را در زیر پوشش قرار خواهند داد." (اطلاعات ۱۳۵۹/۶/۱۶)

این اظهار نظرها در ابتدا بسیار امیدوارکننده بود و حکایت از این واقعیت می‌کرد که مسئولین "انقلاب فرهنگی" و دست‌اندرکاران آن نیز به خطرات ناشی از تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی، از جمله بیکار شدن نیروی اصلی ده‌هزار نفری دانشجویان و کادر علمی و نیز راکد ماندن امکانات علمی و فنی مراکز آموزش عالی توجه دارند. تکلیف آنان بر به کارگیری همه نیروها مایه دلگرمی و نوید بخش شروع فعالیت‌های فارغ از تنگ‌نظری و انحصار طلبی و قشری-گری و مبتنی بر درک واقعیات جامعه بود.

براین اساس و نیز بر مبنای نیاز حیاتی جامعه به بهره‌گیری از امکانات مادی و انسانی مراکز آموزش عالی، ما از همه دانشجویان عضو و هوادار خود خواستیم، تا تلاش بیدریغ خویش را در خدمت نهادهای تعیین شده از سوی "شورای انقلاب فرهنگی" نظیر "جهاد دانشگاهی"، "جذب نیرو" و... قرار دهند.

متأسفانه، برخلاف ادعاهای اولیه، نه تنها از نیروی دانشجویان عضو و هوادار سازمان ما، بلکه از نیروی بخش عظیمی از دیگر دانشجویان متروقی و معتقد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده نشد. انحصار طلبی برخی مسئولین و دست‌اندرکاران "انقلاب فرهنگی"، که گویا به اهمیت بسیج همه نیروهای دانشجویی در خدمت انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی و نیز در خدمت بازسازی جامعه پی نبرده و تنها بر اساس معیارهای تنگ نظرانه به گزین کردن دانشجویان مشغول بودند، عامل این عدم جذب نیروی بخش قابل توجهی از دانشجویان مومن به انقلاب است.

تعطیل برنامه‌ها دانشگاه‌ها و بیکار شدن دانشجویان و عدم کارایی کافی نهادهای "جذب نیرو" در بسیج آنان، به علاوه عوامل ذکر شده در بالا، دست بدست هم داد و موجب آن شد که "جذب نیرو" دانشجویان، به اعتراف خود دست‌اندرکاران این امر، با عدم موفقیت مواجه شد. به نظر ما، طرح "جذب نیرو" و استفاده از انرژی عظیم و سازنده دانشجویان برای سازندگی میهن و خدمت به زحمتکشان، در صورتی می‌تواند موفق باشد که:

- ۱- دانشگاه‌ها و مدارس عالی گشوده شوند و مسئولین امر با بسیج نیروی متمرکز در مراکز آموزش عالی و برنامه‌ریزی مستمر، آنها را در رشته‌های گوناگون به کار گیرند.
- ۲- معیار برای جذب نیرو، نه معیارهای عقیدتی، بلکه معیار انقلابی و ضدانقلابی باشد، زیرا هم اکنون نیرو-

از: «پرسش و پاسخ» (۱۲/۲/۵۹)

نورالدین کیانوری

روند انقلاب و مبارزه توده‌های زحمتکش و دمکراتیک جامعه پدیده‌های انحصار طلبانه و قهقرایی را از میان بر خواهد داشت

گرانش‌های مثبت سیاست خارجی، چنانکه موضعگیری ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتصل نشان داد، بدون نوسان نیست.

س: در دو سال اخیر حزب توده ایران پشتیبانی صادقانه خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است. با توجه به این واقعیت، نظر شما درباره اینکه پاره‌ای از رفقای ما نیز در ادارات و دیگر نهادها، به همراه عناصر ضدانقلابی و ساواکی، اخراج شده‌اند، چیست؟

ج: در انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که در ایران انجام گرفت، طیف وسیعی از نیروها شرکت داشت. برخی از این نیروها، به اقتضای ماهیت طبقاتی خود اینک از انقلاب رویگردان شده‌اند و در راه سازش با امپریالیسم و برگرداندن دستاوردهای انقلاب قدم برمی‌دارند. برخی دیگر در مواضع ضد امپریالیستی و تاحدی خلقی باقی مانده‌اند، ولی دارای ویژگی‌های طبقاتی دوگانه خرده بورژوازی هستند. یعنی، از یک طرف، تمایلات جدی انقلابی دارند و از طرف دیگر دارای گرایش‌های جدی محافظه‌کارانه و در مواردی حتی قهقرایی و ارتجاعی هستند. قدرت حاکمه هم بدست بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای اخیر افتاده است.

انعکاس این دوگانگی را در وزارتخانه‌ها و ادارات می‌بینیم. از یک طرف، تصمیمات جدی در فلان وزارتخانه بنفع محرومان جامعه گرفته میشود. این تصمیمات حتی برخی اوقات علیه نیروهای ارتجاعی است، که زیر پرچم "اسلام" مانع از تغییرات بنیادی هستند. از طرف دیگر، در عین حال از شریف‌ترین عناصر، که در همین جبهه آماده مبارزه‌اند، انتقام جویی میشود. بدلیل آنکه نظراتی غیر از نظرات آنها دارند و هوادار حزب توده ایران و یا عقاید مشابه هستند.

ما این دوگانگی طبقاتی را با توصیه و "من بمیرم، تو بمیری" نمی‌توانیم تغییر بدهیم. این تجربه‌اندوزی تاریخی و مبارزه توده‌های زحمتکش و نیروهای دمکراتیک جامعه ماست، که میتواند این وضع را بتدریج تغییر دهد.

ما در همه زمینه‌ها، در چارچوب همگامی، که با انقلاب داریم، یعنی در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم و برای تأمین آزادی‌های دمکراتیک و دگرگونی‌های اجتماعی، باید با چنین پدیده‌های ارتجاعی، قهقرایی، و انحصار طلبانه و حتی در مواردی فاشیسم گرایانه مقابله کنیم. باید در اتحاد با دیگر نیروها در تصحیح این روش‌ها بکوشیم. مبارزه ضد امپریالیستی جبهه متحد خلق باید همچنین توم با مبارزه با چنین پدیده‌هایی باشد- البته در حیطه امکانات ما و در حدودی، که به جهت اصلی مبارزه ما،

یعنی مبارزه با امپریالیسم، صدمه نزند. حالا ممکن است که دوران طولانی مجبور به تحمل چنین محرومیت‌هایی باشیم. همانطور که در اسناد حزب هم آمده است، حتی امکان دارد که راستگرایی و محدودیت‌ها از این نیز شدیدتر شود. تنها با مبارزه وسیع توده‌ای از طرف نیروهای آگاه جامعه میتوان حقوق موجود را تثبیت کرد و حتی گسترش داد.

س: موضعگیری‌های ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتصل، در مقایسه با گام‌های مثبتی که در سیاست خارجی ایران پیش از تشکیل این کنفرانس برداشته شده بود، گامی بود به عقب و شکست‌انگیز. نظر شما در این باره چیست؟

ج: همانطور که بارها گفته‌ایم، یکی از ویژگی‌های حاکمیت کنونی همیشه تنگ نظری انحصار طلبانه در زمینه شناخت نیروهای دوست و دشمن انقلاب ایران بوده است.

آنچه که در این زمینه در این اواخر نمایان بوده است، نطفه پدیده‌هایی مثبت است. رشد این نطفه یکسره نخواهد بود، بلکه گرایشی است در خطی منکسر. یعنی ممکن است موانع تازه‌ای در راه رشد این نطفه پیش بیاید، چه از طرف نیروهای ارتجاعی و ضدانقلاب و چه بر اثر ترس‌های درونی حاکمیت.

ما در عین اینکه نباید دچار خوش بینی بیش از حد بشویم، نباید به وحشت بیافتیم. اگر فکر کنیم موضع ایران در زمینه سیاست خارجی بزودی مثل سوریه، لیبی، الجزایر، کوبا، آنگولا، موزامبیک و ویتنام خواهد شد، شناخت نادقیقی از واقعیت انقلاب ایران و نیروهای انقلابی موجود داریم. در عین حال، با تجربه انقلابی که داریم، این نوع عقب‌گردها را باید قانونمندانه بدانیم و دچار هراس‌نشویم. ما به نطفه مثبت بیش از چنین عقب‌گردهایی اهمیت می‌دهیم.

که هم اکنون قریب به ۸ ماه از گفته فوق می‌گذرد.

و یا: "ماما بلیم هر چه می‌شود تعطیل دانشگاه‌ها را کوتاه‌تر کنیم، یعنی رغبتی به طولانی‌تر شدن آن نداریم... کوشش هم بر این است که حتی المقدور مدت توقف دانشگاه‌ها کوتاه‌تر باشد." (دکتر سروش-سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۱۴)

و یا: "دانشگاه‌ها نمی‌توانند مدت زیادی تعطیل بمانند. با توجه به اینکه در حال تعطیل دانشگاه‌ها باید تغییر سیستم صورت گیرد، لذا باید خیلی سریع به سازماندهی دانشگاه‌ها بپردازیم تا زودتر دانشگاه‌های ما آغاز به کار کنند." (دکتر باهنر-عضو شورای انقلاب فرهنگی، صبح آزادگان، ۵۹/۴/۸)

ولی، علیرغم همه این گفته‌های امیدبخش، نه تنها تاکنون چشم‌انداز گشایش دانشگاه‌ها و مدارس عالی به روشنی ترسیم نگردیده، بلکه گام‌ها ظاهر-نظری به گوش می‌رسد که برابهم در این امری افزایش و بر فقدان برنامه تصریح می‌کند:

"این هم که کی بازمی‌شود، البته تا اول مهر دیگر مافکر می‌کنیم که دانشگاه‌ها حتما بسته است و از آن به بعد، یعنی امکان داره یکسری رشتف‌های فرعی که به برنامه‌ریزی آنچنانی احتیاج و به اصطلاح نمی‌خواسته آن خیلی کاربکند و تغییر و تحول کم احتیاج داشته اون رایواش یواش شروع به باز شدن می‌کند و این ادامه پیدا بکنند تا یک مدت بعد که معلوم نیست و دیگر نمی‌دانیم که پیش‌بینی بکنیم... مافکر می‌کنیم علوم انسانی شاید حالا و شاید یکی دو سال هم، به نظر من حداقل سه سال باید تعقیب بشود تا بشود یک تغییری در داخلش داد که به درد کار بخورد." (مصاحبه با چند تن از دانشجویان دست‌اندرکار "انقلاب فرهنگی" - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱)

به نظرم، این ابهام در چشم-انداز گشایش دانشگاه‌ها و بی‌برنامگی در شرایطی که انجام هر چه سریع‌تر آن برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اهمیت حیاتی دارد، نه تنها به امر دگرگونی انقلابی نظام آموزشی خلل بقیه در صفحه ۷

ها و آزمایشگاه‌های مجهز و عظیم اتو-مکانیک، شیمی، الکترونیک، راه و ساختمان، ماشین‌های حسابگر، ریختف-گری و ذوب فلزات، ساختمان بدنه ماشین و هواپیما، امکانات عظیم پژوهشی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های جامعه‌شناسی و غیره در دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، پلی‌تکنیک، آذریا با دگان و... وجود دارد، بخاطر تعطیل این مراکز و عدم حضور دانشجویان و عدم حضور فعال اساتید و فقدان برنامه‌ریزی مشخص و موثر، این امکانات بلا استفاده مانده و بابت خرج نگهداری و حفاظت آنان مبالغ هنگفتی خرج میشود. "جهت‌ساز دانشگاهی" تاکنون امکانات چند دانشگاه-پزشکی را برای آموزش کمک-های اولیه و پزشکی کمک به پشت جبهه در نبرد با تجاوزگران صدامی مورد استفاده قرار داده و همچنین از امکانات چند کارگاه در دانشکده‌های مختلف صنعتی و فنی، برای کمک‌های عمرانی و فنی به جنگ، بهره‌جسته است. همه این اقدامات قابل تقدیر است. اما این میزان از بهره‌وری با امکانات بالقوه موجود به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.

دورنمای گشایش مراکز آموزش عالی همچنان ناروشن است

متأسفانه، علیرغم اهمیت باز-گشایی سریع و مبتنی بر منافع و نیاز-های انقلاب دانشگاه‌ها و مدارس عالی، که بارها بارها توسط برخی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی-از جمله فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری- نیز مورد تأکید قرار گرفته، و علیرغم تشدید سواستفاده، ضدانقلاب و دشمنان رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از "مسئله دانشگاه‌ها"، تاکنون برنامه مدونی از سوی مسئولین برای بازگشایی دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

مسئولین "شورای انقلاب فرهنگی" بارها و بکرات سخنان نوید بخش زیر را بیان داشته‌اند که:

"نقش برنامه‌ریزی اگر گروه‌های فعالی همراه با اساتید متعهد رشتف‌ها و دانشجویان باشند، ممکن است ظرف ۶ ماه بشود این برنامه‌ریزی را انجام داد." (دکتر سروش-سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۸) (توجه کنید

شود. فی‌الاهل شاخه روابط دانشگاهی و صنایع ملی و فنی که فرضا می‌رود تولید یک کارخانه‌ای را... بالا ببرد یا راه می‌اندازد، برادرهای ما می‌روند فقط کارخانه را راه‌اندازی می‌کنند. چون کارخانه یک ظرفیت محدودی برای پذیرش کارگر دارد. اگر امکانات باشد، ما این برنامه را پیاده بکنیم، بیکار-های جامعه هم به کار گرفته خواهند شد. کما اینکه چند واحدش راهم شروع کرده‌ایم برای راه‌اندازی کارخانه‌ها. این کارخانه‌ها که به راه بیفتند می‌توانند دیپلمه‌های بیکار را هم جذب کنند." (مصاحبه با دانشجویان عضو کمیته "جذب نیرو" - اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۱)

این سخنان، که دال بر نیات خوب گویندگان آن است، بعدها به دلایل مختلف نتوانست در عمل بطور موثر پیاده شود، چنانکه چهار ماه بعد دانشجویان عضو "ستاد انقلاب فرهنگی" در مصاحبه‌ای چنین گفتند:

"کمیته ارتباط با صنایع البته هنوز تشکیل نشده، ولی در آینده نزدیک انشاء الله تشکیل می‌شود." (جمهوری اسلامی، ۵۹/۸/۱)

به نظرم، نه سهل‌انگاری و احیاناً سستی مسئولین "جذب نیرو"، که میباید بودن و فقدان برنامه دقیق و واقع بینانه نبودن امکانات کافی انسانی و مادی برای اجرای آن- و از جمله عدم استفاده از بخشی از نیروی کارآمد در این زمینه- بلکه دلیل معیارهای تنگ نظرانه و نیز کارشکنی ضدانقلاب و لیبرال‌ها و عدم قاطعیت همکاری برخی مسئولین اجرایی از جمله علل این عدم موفقیت‌اند. حال آنکه در شرایط بازگشایی مراکز آموزش عالی، علاوه بر آنکه بخشی از دیپلمه‌های پشت کنکور جذب این مرکز خواهند شد، امکان بسیج نیروی قریب به ۲۰۰ هزار نفری دانشجویی و دانشگاہی برای جذب دیپلمه‌های بیکار ممکن تر و واقع بینانه تر خواهد بود.

طی مدتی که از تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی می‌گذرد، به غیر از موارد اندکی که "جهاد دانشگاهی" یا "جهاد سازندگی" از امکانات فنی و آزمایشگاهی این مراکز استفاده کردند و به جز موارد اندکی که برخی پروژه‌های ناتمام پیگیری شد و یا تمام رسید (از جمله در دانشکده پلی‌تکنیک) استفاده قابل توجهی از امکانات عظیم علمی، فنی و آزمایشگاهی دانشگاه‌ها و مدارس عالی انجام نگرفته است. در حالی که کارگاه-

های موجود در دانشگاه طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند، که علیرغم تعلق شان به بینش‌های گوناگون، در دوصف عمده انقلاب و ضد انقلاب مدافعین انقلاب و جمهوری اسلامی و مخالفین و معاندین آن قرار دارند. تنگ کردن دایره نیروهای هوادار انقلاب به نیروهای متعلق به یک اندیشه خاص، محروم کردن انقلاب از بخش قابل توجهی از نیروهای حامی و مدافع انقلاب است.

پ: جذب نیروی استادان و کادر علمی دانشگاه‌ها

یکی دیگر از پیامدهای تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور، عاقل ماندن بخش قابل توجهی از نیروی ۹ هزار نفری استادان و کادر علمی دانشگاه‌ها و مدارس عالی است. البته مسئولین امر برای بهره‌گیری از نیروی آنان نیز برنامه‌هایی تدوین کردند و حتی همان ابتدا پرسش‌نامه‌هایی نیز توزیع شد که از طریق آن می‌بایست چگونگی همکاری و استفاده از نیروی آنان در بخش‌های مختلف فنی، درمانی، بهداشتی، ترجمه و نشر کتاب و غیره مشخص شود. ولی در این عرصه نیز، به دلایل گوناگون، از جمله ضعف برنامه‌ریزی، غلبه گرایش‌های لیبرالی بر بخشی از اساتید، انحصار طلبی و تنگ-نظری و قشری گری در استفاده از نیروی های دیگر و... طرح جذب نیرو با عدم کارایی کافی روبرو شد و امکانات فکری و تخصصی آنان در جهت بی‌ثمر و کارآ به کار گرفته نشد. این امر باعث آن شد که بخشی از اساتید و کادر علمی بطرف لیبرال‌ها بخلطنه و نیروی که بالقوه میتوانست - و می‌توانست - در خدمت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته شود، به نیروی ذخیره لیبرال‌ها علیه رشد و تعقیق انقلاب بدل گردید.

ج: جذب نیروی دیپلمه‌های بیکار

در این زمینه نیز دست‌اندرکاران "انقلاب فرهنگی" در مصاحبه‌های خویش در آغاز چنین گفتند:

"دانش آموزانی که امسال فارغ-التحصیل میشوند، حدود ۱۲۰ هزار نفر هستند. یک سری برنامه‌هایی کوتاه مدت و دراز مدت مدنظر ماست که از این افراد به کار گرفته خواهند شد. در مورد دیپلمه‌های بیکار دیگر یا بطور کلی بیکارهای دیگر هم که در جامعه هستند که زمینه کار برای آنها فراهم

### نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۶  
وارد خواهد ساخت، بلکه پیامد های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی ناگوار و مضری برای انقلاب و مبین انقلابی خواهد داشت.

### چه باید کرد؟

به نظر ما، به منظور دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی، یا آنچه که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» قریب به ۸ ماه است که در جامعه ما مطرح گردیده، دولت جمهوری اسلامی ایران باید به اقدامات زیرین دست یازد و اقداماتی که دقیقاً از نیازهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ناشی می شود:

۱- مردمی کردن نظام آموزش عالی، از طریق گسترش شبکه نظام آموزش عالی، رایگان کردن آن و ایجاد تسهیلات لازم برای فرزندان خانواده های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران ناشی می شود:

۲- انطباق نظام آموزش عالی با نیازهای مرحله کنونی رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، از طریق:

الف) هماهنگ ساختن برنامه ریزی دانشگاهی با برنامه ریزی رشد اجتماعی اقتصادی کشور با: اولویت قائل شدن برای رشته هایی که به منظور بازسازی اقتصادی جامعه و ریشه کن ساختن علل محرومیت توده های زحمتکش میهنان اهمیت حیاتی دارد و توجه جدی به جذب تعداد متناسب دانشجویان به این رشته ها.

ب) ایجاد دوره های کوتاه مدت فنی، پزشکی و کشاورزی به منظور تربیت سریع کادر متخصص برای بازسازی جامعه.

ج) تدوین برنامه درسی مترقی و دمکراتیک و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری، به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.

د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سواد آموزی و... - با دانشگاه ها، پنجمی که از نیروی همه دانشجویان، درجوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استفاده شود.

۳- دمکراتیزه کردن محیط آموزش عالی از طریق شرکت دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه ها و مدارس عالی بوسیله شوراهای واقعی، تضمین آزادی های دمکراتیک در دانشگاه ها، بگونه ای که همه دانشجویان و دانشکاهیان مترقی و ضد امپریالیست از حق بیان اندیشه و عقیده خود و شرکت در فعالیت های صنفی و سیاسی بهره گیرند. ما اتحاد همه دانشجویان و دانشکاهیان مترقی و تشکیل «اتحادیه سراسری دانشجویی» به منظور تأمین تشکل دانشجویان را شرط ضروری تأمین آزادیها و حقوق دانشجویان و دانشکاهیان و نیز ضامن دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در قبال فعالیت های خرابکارانه ضد انقلاب راست و چپنا می دانیم. به نظر ما برای تحقق هدفهای

بالا، که تنها و تنها در صورت برآوردن آنها میتوان از «انقلاب فرهنگی» در آموزش عالی سخن گفت، انجام اقدامات عاجل زیرین ضروری است:

۱- با توجه به نیاز حیاتی مبین انقلابی به پزشک، معلم و متخصصین فنی، در مرحله نخست هرچه سریع تر طرح تحول انقلابی در رشته های پزشکی، فنی و تربیت معلم اعلام گردد و اقدام به بازگشایی دانشکده های فوق شود.

۲- در مرحله بعد، طرح تحول انقلابی در دیگر رشته ها اعلام شود و پس از ادغام دانشکده ها و رشته هایی که به صورت فعلی به وجودشان نیازی نیست، رشته های فوق کار خود را آغاز کنند.

۳- طرح ایجاد رشته های کوتاه مدت تربیت متخصصین اعلام شود و رشته های فوق هرچه سریع تر کار خود را آغاز کنند.

۴- همانطور که آقای دکتر شریعتمداری، عضو «شورای انقلاب فرهنگی» نیز در مصاحبه ۱۶/۱۱/۵۹ با روزنامه جمهوری اسلامی بیان کرده است. برنامه آموزشی پیشنهادی شورا به نظر خواهی عموم، بویژه دانشجویان و دانشکاهیان، گذارده شود. خوشبختانه اخیراً سخنان امیدبخشی دال بر گشایش هرچه زودتر دانشکده های پزشکی و تربیت معلم ابراز شده، که ما صمیمانه از آن استقبال میکنیم.

آقای رجایی، نخست وزیر، در پایان جلسه مشترک با ۵ تن از اعضای «ستاد انقلاب فرهنگی» اعلام داشت:

«هر یک از بخش های تحصیلی و دانشگاهی که تکلیف آنها روشن شود، دانشکده آن شروع بکار خواهد کرد و احتمالاً دانشکده هایی مانند پزشکی زودتر از سه ماه آینده کار خود را شروع خواهد کرد... و دولت تمام امکانات خود را در خدمت ستاد انقلاب فرهنگی قرار می دهد تا بقیه بخش هایی که به نتیجه نهایی نرسیده اند، آنها هم به نتیجه نهایی برسند.»

(اطلاعات، ۳/۹/۵۹)  
آقای دکتر شریعتمداری، عضو «شورای انقلاب فرهنگی» نیز، در مصاحبه ای اعلام داشت که:

«همه ما تلاش داریم که هرچه زودتر در رشته های اساسی برنامه ریزی به پایان برسد و نحوه انتخاب دانشجویان روشن شود...»

امیدواریم که به محض اینکه کارهای مقدماتی انجام شده، در باز شدن آن رشته اقدام کنیم.» (جمهوری اسلامی، ۱۶/۱۱/۵۹).

این سخنان، که از تأکیدهای چه بیشتر بر لزوم بازگشایی هرچه سریع تر دانشگاه ها و حمایت دولت از این امر حکایت میکنند، امیدبخش است، و ما امیدواریم که این امر بر مبنای نیازها و ضروریات انقلاب شکوهمند مردم ایران تحقق پذیرد.

ما در همین حال به این فراخوان که:

«از همه مردم دعوت میکنیم که بیایند و نظرات خودشان را بدهند و اعلام همکاری کنند و در جلسات و در کمیته ها و در سمینارها و در این مجالس شرکت کنند.» (دکتر باهنر جمهوری اسلامی، ۲۶/۹/۱۳۵۹).

### لایحه قصاص...

بقیه از صفحه ۱  
اختیار دارد.

روزگاری جامعه اولیه هرگز نمیگفت، تا با ایجاد رعب و هراس، مانع از گسترش بزهکاری شود.

این شیوه ابتدائی مقابله با جرم و جنایت، با بای تحولات اقتصادی و اجتماعی، جای خود را به بررسی علل بزهکاری و مبارزه با این علل داد. جوامع پیشرفته به این نتیجه منطقی رسیدند که قبل از آنکه بفکر قصاص و انتقام بود، باید امنیت اقتصادی، اجتماعی و قضائی برای افراد جامعه تأمین کرد.

باید فرهنگ و آموزش جامعه را متحول ساخت، و در این شرایط نوین، اگر فردی مرتکب بزه علیه دیگری شد، به بررسی علل اقتصادی - اجتماعی جرم و کشف ریشه های اخلاقی و روانی مجرم پرداخت و سپس، از طریق دادگاههای صالح، به تجدید تربیت مجرم همت گماشت.

جامعه بشری، در مسیر دگرگونیهای بنیادی خود، باین نتیجه منطقی رسید که قوانین جزا و سیستم مجازات را از بن دگرگون سازد، تا کیفی مجرم جنبه انتقامجویی نداشته باشد، بلکه به تربیت مجرم و هدایت و ارشاد او کمک کند. این اصل منطقی در مورد بسیاری از جرائم خصوصی، یعنی ارتکاب جرم نسبت به فرد پذیرفته شد و آنجا که مسئله جنایت نسبت به کل جامعه مطرح است، مانند توطئه و کودتا علیه یک نظام خلقی، شکنجه و ایداء میهن دوستان توسط یک نهاد ضدانقلابی، برافروختن نازک جنگ توسط یک گروه سلطه گر، که کشوری، مردمی و دنیائی را به خاک و خون میکشد، پادشاهی مرگ یا جسهای سنگین برای این جنایتکاران، همچنان بهترین کیفی شناخته شده است.

دین اسلام، که دین برابری انسانها و دفاع از حقوق مستضعفان جامعه است، هرگز ستم و تبعیض را نمی پذیرد، هرگز اجازه نمیدهد که زن بعنوان یک موجود بیست و نه مورد تبعیض قرار گیرد و تئوری فاشیستی «زن برای بچه دادن و آشپزخانه و کلیسا» در جامعه انقلابی ما تحقق پذیرد.

اسلام که تأکید میکند فرزندان خود را برای دوران خود تربیت کنند و بدینسان به شرایط زمان و مکان توجه کافی دارد، هرگز اجازه نمیدهد که قوانین و سنتی را احیا کنیم که اگر در جوامع ابتدائی بشری مفید و کارساز بوده اند، برای امروز مضرند و اجرای آن قوانین و آن سنن چهره ای از جمهوری جوان ما در جهان ترسیم خواهند کرد، که فقط بسود دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب برآورده اش خواهد بود.

این یادآوری ضروری است که از نخستین روزهای پیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب برآورده اش، که از حاکمیت روحانیت مبارز پیرو خط امام

پانسخ مثبت میدهم و درعین ارائه نظریات، انتقادات و پیشنهادها سازنده مان، آمادگی خود را برای همکاری های بیدریغ و درجهت تحقق هرچه موثرتر

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی اعلام میداریم. سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

خیمنی دلخون و نگران از دست رفتن منافع نامشروع خود بود، تبلیغ میکرد که نظام جدید، کشور را به قهقرا خواهد برد و زنان را بدرون خانه ها خواهد راند.

آنان وجوه ضد امپریالیستی و خلقی روحانیت مبارز پیرو خط امام خیمینی را، که علت الملل و ضدیت شان با نظام دست نشانده پهلوی بود، ناگفته میگذاشتند و برچسب قسریت و تاریک اندیشی بر آن می زدند. این تبلیغات مسموم، آنروز زمینه نداشت و دم سرد آنسان در مردمی که بهار انقلاب جان تازه در کالبدشان دمیده بود، نمی گرفت. باید کاری کرد که امروز و در آینده نیز زمینه های تبلیغات سوء دشمن خنثی شود.

باید کاری کرد که دشمن نتواند یا استناد به لوائح، قوانین و مصوبات جمهوری، چهره انقلاب ما را در انظار جهانیان مسخ و دگرگون جلوه دهد.

تدوین و تصویب لوائحی نظیر «لایحه قصاص» در شان نظام جمهوری اسلامی نیست، زیرا بمعنای نادیده انگاشتن ارزش انسانها و برخورد با انسان به مثابه دام و دد است. هر جامعه متدین و وظیفه دارد که در نخستین گام، زمینه مادی ارتقاء فکری و روحی انسانها را فراهم آورد، تا نیاز مادی، عدم تعادل روحی و جسمی و محروم ماندن از آسوش و فرهنگ، زمینه انحراف و خطا را در آنان ایجاد و تقویت نکند.

در جامعه ای متعادل، که از سلامت برخوردار است، چنانچه کسی، علیرغم همه امکانات، مرتکب جرم و جنایت نسبت به سایر افراد جامعه شد، تازه باید به تجدید تربیت او پرداخت و نه انتقام کشی از او.

فزون بر این، این تکرار تین ضروری است که زنان ایران که امام خیمینی درباره آنان میگوید: «ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مردان، بلکه جلوتر از آنان در صف قتل ایستادند.»

عزیزترین عزیزانمان به پیروزی رسانده اند، متوقع آنند که آنان را انسان برابر حقوق جامعه بشناسد، بار سنگین تبعیض و ستم را از دوش آنان بردارد و جای شایسته آنان را در جامعه مشخص کند.

نمیتوان حقوق انسانی را از زنان دریغ داشت، اما از آنان انجام وظایفی سنگین تر از مردان را متوقع بود. از زنان، که امروز در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا، در جنبه و پشت جبهه جنگ تحمیلی، در قبال کمبود گران و دسیسه های ضد انقلاب، چهره پریاثر و انقلابی شایان تحسین از خود ترسیم کرده اند، باید رفع ستم و تبعیض شود و شایستگی آنان در برخورداری از همه حقوق انسانی تأیید قانونی یابد.

توقع زنان بیدار دل ایران آنست که با تصویب متمم قانون اساسی، کمبودها در این زمینه جبران شود و نه آنکه قوانین جدید، جهات مثبت قانون اساسی جمهوری اسلامی را نیز نادیده انگارند.

خواستهای فوق هدفهای مشترکمان در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی اعلام میداریم. سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

همین مقام یادآور شده است که: «یکرا واقعیتهایی که در این بررسی باید به آن توجه داشت آنستکه، پاکستان تنها راه دریایی در دسترس است که به مرز افغانستان منتهی میشود.»

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

### دشمن واقعی، آمریکای...

بقیه از صفحه ۱

بر سر کار آمد، آمریکا برای رسیدن به همان استراتژی خودش که باید دولت میانه روی بر سر کار بیاید که ناسیونالیستهای مخالف روحانیت در آن دولت حداکثر را داشته باشند، با دیدن زمینه های مناسبی طریقه نفوذ در دولت موقت را در خدمت و سرلوحه خود قرار داد و امیران نظام ها و سایرین را در بقل دولت موقت کاشت. اسناد لانه جاسوسی، این حرکت انقلابی بزرگی که پشت آمریکا را شکست همه حاکی از همین مسئله است. وی افزود: «جاسوس سفارتخانه آمریکا، نامیران نظام می گوید که عادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوء ظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند برنیزگیزد و حتما منظورشان این بود که اگر برانگیزد، در کار ما دخالت می کنند و نمی گذارند که ما با برزیل همکاری کنیم. آری اینچنین است، ملتی که خون داده و شهید داده، چگونه می تواند به افرادی که چنین می توانند زمینه ساز حکومت آمریکا باشند، بعد از ۱۴ قرن تلاش، زحمت، شکنجه، اسارت، بعد از ۱۴ قرن انتظار، الان ملت ما اجازه بدهد به اینکه زمینه های آمدن یک حکومت و یک دولت وجیه الملهای که منافع آمریکا را تضمین کند (فراهم شود) ملت ما قطعاً چنین اجازتهای به این افراد نخواهد داد.»

وی سپس با اشاره به درخواست کمک پنی عامری، رئیس شاخه نظامی کودتا از آمریکا، برای انجام کودتا در همان دوران دولت موقت گفت: «(آمریکا) به او می گوید که ما از اینکه بروی سازمانی درست کنی برای آینده، جلویت را نمی گیریم. اما فعلاً سیاست ما اینست که می خواهیم روابطمان را عادی بکنیم با دولت موقت.»

عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران، سپس به ادامه توطئه امپریالیسم جنایتکار آمریکا در جهت مسخ انقلاب و نیز حمله و هجوم نظامی به جمهوری اسلامی ایران، اشاره کرد و توطئه بروی کار آوردن یک دولت میانه رو در ایران بر پایه دامن زدن به تشنجات و نا آرامی ها را افشاء کرد.

وی آنگاه به جنگ تجملی عراق به ایران که ادامه همان توطئه های آمریکاست اشاره کرد و تأکید کرد: «امروز مسئله ما، مسئله جنگ است. امروز مسئله ما آمریکاست و این است که باید با تمام قدرت در میدان باشیم. وی سپس به فروش اسلحه آلمان به رژیم ارتجاعی عربستان و آغاز مانور نظامی کشورهای مرتجع منطقه با آمریکای جنایتکار اشاره کرد و از جمله تأکید کرد که شعار اصلی شما، جنگ با آمریکاست.»

سپس حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران به ایراد خطبه های نماز پرداخت و ضمن هشدار در مورد فعالیت اختلالگرانه افرادی که اجتماع روز پنجشنبه را به درگیری کشاندند، از مردم خواست که در اثنای خطبه ها سکوت کنند. وی افزود: «در پایان مراسم هن شعار تفرقه انگیز بسود آمریکا است و هر فریادی که مردم را به هیجان بیاورد و دشمنی آنها را بجای آمریکا و عناصر مزدورشان به داخل ملت متوجه کند، فریاد شیطان است.» امام جمعه تهران در مورد شعارها گفت: «جز شعار توحید و جز شعار نفرت از آمریکای غدار و هر چه در این مضمون باشد، نباید داده شود.»

حجت الاسلام خامنه ای در خطبه اول نماز، ضمن هشدار درباره فعالیت عمال ضد انقلاب برای جلوگیری از روند بازسازی و سازندگی کشور، گفت: «هر کسی که مردم را برای بر طرف کردن نابسانیا به اغصاب دعوت کند، به این مردم و به این انقلاب خیانت کرده است.» امام جمعه تهران تأکید کرد که: «اسلام می گوید فریادهای تان را علیه آمریکای جبار بکشید.»

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجی را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجی را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت الاسلام خامنه ای، در خطبه دوم ضمن اشاره به درگیریهای روز پنجشنبه از جمله تذکر داد: «در شعارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای جنایتکار است، همه این بساطها زیر سر اوست. همه این تفرقه انگیزیها بازی شیطان است.»

امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته ها و سپاه پاسداران برای نگاهداری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شرم و ننگ بر آن عناصری باد که زحمات بیدریغ پاسداران کمیته در این دو سال و مخصوصاً در روزهای بعد از انقلاب را فراموش می کنند.»

در مراسم نماز جمعه دیروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای جنایتکار و عوامل داخلی و خارجی را در شعارهای «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ریگان» فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

### گفتگوهای...

بقیه از صفحه ۱

سلاح سخن گفته است. بگفته وی، سفیر ایالات متحده آمریکا در پاکستان، آرتور هامل، نیز برای شرکت در این مذاکرات به واشنگتن فراخوانده شده است. یکی از مقامات عالی رتبه وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان ساخت که: «ما به بررسی دقیق و فوری سیاست خود در برابر پاکستان می شویم.»

بگفته مقام وزارت خارجه آمریکا، موشکهای زمین به هوا، از جمله سلاحهایی است که مورد علاقه مبارزان افغانی است. آنها، در این زمینه، از انواع موشک های نام برده اند که از سوی آمریکا در اختیار رژیم سادات مشغولیم.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در لنگرود:

ضد انقلاب بنام سپاه پاسداران توطئه می کند

ما از مقامات مسئول میخواهیم که هر چه زودتر ضد انقلابیونی را که با پوشیدن لباس پاسداران به فعالیت های تخریبی می پردازند، دستگیر و خلع سلاح کنند و تحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

پس از ذکر مقدمه ای در مورد فداکاریها و جانبازیهای سپاه پاسداران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، افرادی که با پوشیدن لباس پاسداران به ضرب و شتم و بازداشت بدون مجوز قانونی مردم میپردازند، اشتهاء شده اند:

«طبق اصل ۴۴ قانون اساسی هیچ کس را بدون مجوز قانونی حتی نیروهای انتظامی نمیتوانند بازداشت کنند، چه رسد به اینکه گروهی یا فردی که مشروعیت قانونی ندارد، کسی را بازداشت یا دستگیر کنند... پوشیدن لباس سپاه و انجام دادن عملی خلاف شئون سپاه، زمینه تبلیغات سوء برای چه کسی خواهد بود. آیا این اعمال جهت از بین بردن حیثیت سپاه نیست؟ آیا این توطئه علیه سپاه نیست؟...»

این اشخاصی، که طبق اعلامیه سپاه پاسداران بدرستی قصدی غیر از توطئه علیه انقلاب ایران و نهادهای آن از جمله سپاه پاسداران ندارند، با معرفی کردن خود بعنوان مرجع قانونی و تصمیم گیرنده، به دها عمل ضد انقلابی دست زده اند، که برخی از آنها شرح زیر است:

★ جلوگیری از فعالیت گروه های مدافع انقلاب ایران، از جمله هواداران حزب توده ایران، در زمینه کارهای تبلیغاتی در سطح شهر،

★ مانع از عرضه نشریات قانونی، از جمله نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران،

★ ضرب و جرح و دستگیری غیر قانونی هواداران حزب توده ایران در موقع چسباندن پوسترها و مطالب در دفاع از انقلاب...

★ پاره نمودن نمایشکاههایی که در جهت شناساندن توطئه های امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا «شیطان بزرگ» و پایگاههای داخلی آنها، سرمایه داران

«شیاطین درصددند که هسریک از نهادهای اسلامی را لکه دار بکنند. دستهای خائنین در کار است. اگر در این نهاد يك کارهائی برخلاف موازین انجام بگیرد، فرصت دست بدخواهان می افتد و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند...» (امام خمینی)

امپریالیسم جنایتکار آمریکا، در ادامه توطئه های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و طرح دسایس گوناگون، سرانجام مبین انقلابی ما را با تهاجم صدام تکریتی مواجه کرد. اما مقاومت و جانبازی مردم قهرمان، سربازان، سپاهیان پسااسدار و گروه های بسیج مردمی این بار هم توانست این نقشه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را با شکست روبرو کند.

اما ضد انقلاب با استفاده از این جنگ تحمیلی درصدد برهم زدن امنیت ماست، ایجاد و دامن زدن به درگیریها و تشنجات سیاسی، راهزنی، دزدی، حمله در معابر عمومی به مردم... به منظور بهره برداری سیاسی انجام می گیرد و هدفی غیر از آماده کردن زمینه برای زدن ضربه نهائی ندارد. آخرین نمونه فعالیت ضد انقلاب در سطح شهرها و خیابانها را میتوان بصورت ضد انقلابیونی دید که با سوءاستفاده از لباس پاسداران و یا جعل کارت ارگانهای انقلاب، به خرابکاری مشغولند.

اخیرا روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، اطلاعیه ای در سطح شهر پخش کرده است. در این اطلاعیه،

بزرگ، کلان زمینداران، لیبرالها، مائوئیستهای تازه مسلمان شده و ساواکیها، برپا شده است و یاره کردن تصاویر رهبر انقلاب در جلوی چشمان حیرت زده مردم. این اقدامات تخریبی و غیرقانونی، که شدیداً انزجار مردم قهرمان لنگرود را برانگیخته است، ظاهراً در لباس دفاع از انقلاب صورت میگیرد، اما در واقع هدف از آن ضربه زدن به نیروهای طرفدار خط امام خمینی و از جمله سپاه پاسداران انقلاب است.

خوشبختانه هشیاری و افشاکاری بموقع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، مشت آنها را برای مردم مبارز شهر بازگرد و نشان داد که سپاهیان پاسدار با این اعمال ضد انقلابی مخالف هستند و عاملان آن را توطئه گر علیه انقلاب ارزیابی می کنند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان لنگرود، پشتیبانی خود را از اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، که پوشش دروغین اسلامی این افراد را پس زده و چهره واقعی آنها را روشن کرده، اعلام می کند. ما از مقامات مسئول، بویژه

حجت الاسلام فاتحی، نماینده امام، میخواهیم که با هشیاری و قاطعیت مواضع صحیح سپاه پاسداران را در نماز جمعه تقویت

کنند و با افشای ضد انقلابیونی که در لباس سپاه پاسداران توطئه می کنند، نسبت به خلع سلاح و تعقیب و مجازات آنها اقدام فوری کنند. این اقدام سبب خواهد شد، تا توطئه وسیعی که علیه سپاه پاسداران در دست انجام است خنثی شود.

زنده باد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بر رهبری امام خمینی! مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی ما!

در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۵ زن، ۳۲ کارگر، ۱۴ کشاورز به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند

شوروی کارگر و ۱۴ تن کشاورز زنده رفیق لتویند برژنف بار دیگر به مقام دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد.

مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که عالیترین ارگان رهبری کشور است، برگزیده شدند که ۳۲ تن بیش از کنگره پیشین است. از این تعداد ۳۵ تن زن هستند. ۳۲ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد

با پایان گرفتن کار کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ۴ سال آینده نیز پایان رسید. در این انتخابات، ۳۱۹ تن به عضویت کمیته



تمرین محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز در آمریکا

در پایگاه نظامی فولبراکت در ایالت کسارولینای شمالی آمریکا، تمرینی نظامی با نام رمز «جرالد فایت» برگزار شد.

روزنامه «واشنگتن استار» خبر میدهد که مقدمات این تمرینات توسط فرماندهی آمادگی جنگی تدارک دیده شده بود، که مسئول حمل ۳۲۵ هزار نظامی آمریکایی به خاور نزدیک در صورت بروز بحران» در این منطقه است. در جریان عملیات یادشده، تمرینات مربوط به محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز نیز به اجرا درآمد.

در عملیات نیروی...

بقیه از صفحه ۱ را هدف آتش توپخانه و سلاح های سنگین خود قرار دادند که در نتیجه ۶ نفر از برادران آبادانی شهید و ۲۸ تن مجروح شدند. «در جبهه های اهواز و سوسنگرد رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش شدید توپخانه و خمپاره انداز بر روی مواضع نیروهای ارتش متجاوز عراق موفق شدند که سه تانک، دو خودرو، یک تانکر سوخت، یک لودر و حدود ۱۸ سترک اجتماعی و انفرادی دشمن را منهدم و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای آنها را به هلاکت رسانده و یا مجروح کنند.

همچنین هواپیماهای متجاوز ارتش عراق که قصد حمله به آبادان را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی مجبور به فرار شدند. در بامداد دیروز (پنجشنبه) جانبازان نیروی دریایی ارتش

تقویم سال نو منتشر شد ۱۳۶۰

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

همزبانی!

پیش از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا و انگلیس! آمریکا و انگلیس: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر کودتاچیان ۲۸ مرداد! کودتاچی: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر شاه! شاه: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر ساواکی! ساواکی: مرگ بر توده ای! پس از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا! آمریکا: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر کارتر! کارتر: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر ریگان! ریگان: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر اسرائیل! اسرائیل: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر صدام! صدام: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر بختیار! بختیار: مرگ بر توده ای! ملت: مرگ بر اویسی! اویسی: مرگ بر توده ای! خلق کرد: مرگ بر قاسملو! قاسملو: مرگ بر توده ای! کارگر: مرگ بر سرمایه دار! سرمایه دار: مرگ بر توده ای! دهقان: مرگ بر فئودال! فئودال: مرگ بر توده ای! خریدار: مرگ بر محتکر! محتکر: مرگ بر توده ای! مستضعف: مرگ بر مستکبر! مستکبر: مرگ بر توده ای! در میتینگ پیروان خط برژینسکی

حزب اللهی ها: مرگ بر لیبرال! ساواکی ها: مرگ بر توده ای! حزب اللهی ها: مرگ بر آمریکا! رنجبری ها و لیبرال ها: مرگ بر توده ای! فدائیان اسلام: اسلام پیروز است! لیبرال ها: مرگ بر توده ای! حزب اللهی ها: لیبرال، توده ای، چماقدار پیوندتان مبارک! لیبرال ها، ساواکی ها، رنجبری ها: چماقدار، توده ای پیوندتان مبارک!

نتیجه:

یت ۱: وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کسافری است رنجیدن! یت ۲: کسر بدی گفت حسودی و رفیقتی رنجید کو تو خوش باش که ما گوش به احق نکنیم! یت ۳: در بیابان گر به شوق کبک خواهی زد قدم سرزنش ها گر کند خار میلان، غم مخور!

سازمان ملل متحد علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی

اکثر اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت وضع مجازاتهای جامع علیه آفریقای جنوبی را بعنوان موثرترین وسیله ایراد فشار بر این رژیم جنایتکار، بمنظور قطع اشغال ناهنجار از سوی نیروهای مسلح این کشور، خاطر نشان کردند. نمایندگان اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، غنا، سنگال، بنگلادش، امارات متحده عربی، در نشست پریروز مجمع عمومی، از این اقدام، که در منشور سازمان ملل متحد منظور شده، پشتیبانی کردند.